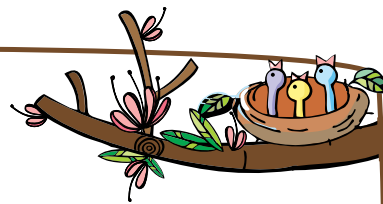


تاریخ آزمون: ۱۳۹۸/۰۱/۰۸

زمان برگزاری: ۷۵۰۰ دقیقه



نام و نام خانوادگی:

نام آزمون: عربی یازدهم سخت



۱ ☆ عین «ما» الشرطیة:

- ۱ ما تعمل اليوم تحصده غداً حتماً! ۲ ما عرفتنی زمیلتی حین مررت من جنبها!
۳ ما نوع الراحة التي كانت تفوح في الشارع! ۴ ما الفخر إلا لأهل العلم إتهم على الهدى!

۲ ☆ كأن إرضاء جميع الناس غاية لا تُدرک! مفهوم العبارة:

- ۱ العاقل من يعتبر بالتجارب! ۲ الناس لا یحتون الراضی عن نفسه!
۳ أترك الحرص تعش في راحة! ۴ لا تطلب الحصول على رضا كل الأفراد!

۳ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للتعريب :

«مسلمانان در جستجوی علوم، به دورترین نقطه ی کره ی زمین سفر می کردند!»:

- ۱ كان المسلمون يرحلون إلى أقصى الأرض باحثين عن العلوم! ۲ كانوا المسلمین يرحلون إلى أقصى الأرض يبحثون عن العلوم!
۳ المسلمون كان يسافرون إلى أقصى كرة الأرض و هم يبحثون عن العلم! ۴ إن المسلمین كانوا يسافرون إلى أبعد نقاط الأرض و هم باحثين عن العلوم!

۴ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ للترجمة:

انسان با استفاده از سنن و قوانین غیر قابل تغییر در جهان به هدف خود خواهد رسید.

- ۱ بالانتفاع من السنن و القوانين التي لا تتغير يصل الإنسان إلى أهدافه. ۲ سوف يصل الإنسان إلى هدفه باستفادته من السنة و القوانين دون تغییر.
۳ سيصل الانسان إلى غايته بالاستفادة من السنن و القوانين التي لا تتغير و سوف يصل إلى الغاية في الدنيا. ۴ الإنسان يتمتع بالسنن و القوانين التي لا تتغير و سوف يصل إلى الغاية في الدنيا.

۵ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة او التعريب او المفهوم.

عین الصحيح:

- ۱ لا تتكاسل، فإنّ النجاح لا يُناسب الكسل! تبلی مکن که موفقیت با تبلی تناسب ندارد!
۲ لا تتكاسل الممرّضه الحاذقه عن أعمالها! ای پرستار ماهر، در انجام کارهایت تبلی مکن!
۳ شاهد الطلاب درجاتهم في الصفّ فائزين! نمره ی دانش آموزان کلاس را نگاه کن که چگونه موفق هستند!
۴ صادق الذي يُشفق عليك و أنت في غفله! آنکه دلسوز تو است، با تو دوستی کرد در حالی که غافل بودی!

۶ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة او التعريب او المفهوم

عین غير المناسب للمفهوم:

- ۱ لن يهلك امرؤ عرف قدر نفسه! جای بنشین که برنخیزانندت!
۲ كأن إرضاء الناس غاية لا تُدرک! زندگی به مراد مردم نتوان کرد!
۳ المرء على دين خليله و قرينه! تو اول بگو با کیان زیستی پس آنکه بگویم که تو کیستی!
۴ عاتب أخاك بالإحسان إليه! عتاب دوست خوش باشد و لیکن مر آن را نیز پایانی بپاید!

۷ ☆ عین «لا» نفی:

- ۱ يا عاقل! لا تفكر في شؤون الآخرين! فلا تجعل باطن حياتك معادلاً لظاهر حياتهم!
۲ فلا أحد إلا و عنده مشاكل في باطن حياته! لا يعلمها أحد إلا الله تعالى!

۸ ☆ «من يتأمل قبل الكلام يسلم من الخطأ!» عین المناسب للمفهوم:

- ۱ لم تقولون ما لا تفعلون ۲ سخندان پرورده پیر کهن
۳ بیندیشد آنکه بگوید سخن! ۴ سخن تا نپرسند لب بسته دار
گهر نشکنی تیشه آهسته دار!

۹ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ في الأجوبة للترجمة أو التعريب أو المفهوم

عین الصحيح: «مشکل کسانی که فکر بسته دارند این است که دهانشان پیوسته باز است!»

- ۱ مشكله من لهم فكر مغلوق أن فهم مفتوح دائماً! ۲ مشکل الذين فكرهم يغلق أن لهم لسانا دائماً ينطق!
۳ إن المشكل لذن الذين فكر هم مغلقة أن لسانهم يتكلم دائماً! ۴ إن مشكله الذين فهم مفتوح دائماً هو أنه ليس لهم فكر مفتوح!



۱۰ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی التّرجمة :

«لأرجع إلى أسرتي بالأخبار السّارة، أتعبت نفسي كثيراً!» :

- ۱ باید با اخبار مسرت بخشی به سوی خانوادهام بازگردم چون نفس خود را بسیار به زحمت انداختم!
 ۲ برای این که با خبرهای شاد به سوی خانوادهی خویش برگردم، نفسم بسیار به زحمت افتاد!
 ۳ برای این که با اخبار خوشحال کننده به سوی خانوادهام بازگردم، نفسم را بسیار به زحمت انداختم!
 ۴ باید خبرهای خوشحال کننده را به خانوادهی خود برگردانم زیرا نفسم بسیار به زحمت افتاده است!

۱۱ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی التّرجمة:

«إلهي أخرجني من ظلمة الوهم و أكرمني بنور الفهم!»

- ۱ خدای من، مرا از تاریکی خیال خارج کن و به نور فهم گرامی بدار!
 ۲ خدای من، مرا از تاریکی های خیال خارج کرده و به نور فهم گرامی داشته است!
 ۳ خدای من، مرا از تاریکی خیال خارج کرد و به نور فهم گرامی داشت!
 ۴ خدایا، مرا از ظلمت و هم خارج کن و به نور فهم اگرام کن!

۱۲ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الاجوبة للتّعريب:

«ای فرزندان عزیز ایران به دشمن اجازه ندهید که بر شما مسلط شود!»

- ۱ یا أبناء الأعزّاء الإیرانیّین لا تسمحو للعدوّ أن يتسلّط علیکم!
 ۲ یا أبناء إیران الأعزّاء لا تسمحو للعدوّ أن يتسلّط علیکم!
 ۳ یا بنات إیران العزیزات لا یسمحن للعدوّ أن یستولی علیکن!
 ۴ یا بنات العزیزات الإیرانیّات لا تسمحن للعدوّ أن یستولی علیکن!

۱۳ ☆ عین الصحیح فی التّرجمة:

«إنّ فی ذلك لآیاتٍ لقومٍ یعقلون» :

- ۱ واقعا گروهی هستند که به آن نشانه ها فکر می کنند!
 ۲ گروهی در آن نشانه هایی که وجود دارد، به درستی می اندیشند!
 ۳ مسلماً گروهی هستند که در آن آیات تأمل می کنند!
 ۴ یقیناً در آن نشانه هایی است برای گروهی که می اندیشند!

۱۴ ☆ عین الصّحیح فی التّرجمة:

- ۱ «الذی یخدم البؤساء و یساعدهم فتوابه عندالله فی الجنّة»: هرکس به بینوایان خدمت کند و آنان یاری برساند نزد خدا ثواب دارند!
 ۲ «الهبواء قد کان حارّاً هذا الأسیوع و لم أخرج من منزلی فی الیومین الماضیین!»: هوا در این هفته گرم بوده است و من در دو روز گذشته از خانه ام خارج نشده ام!
 ۳ «ما وصل من صدیقی أذی لئلیّ أو إلی غیری حتّی الآن و أنا راضٍ عنه!»: تا کنون دوستم به من یا دیگری آزاری نرسانیده است و از من راضی است!
 ۴ «المرأة المسلمة لا تکذب أهلها و صدیقاتها لأتّها محسنةً و قویةً!»: زن مؤمن نه به خانواده اش و نه به دوستانش دروغ نمی گوید او زنی نیکو کردار و نیرومند است!

۱۵ ☆ عین غیر المناسب فی المفهوم: «الدّهر یومان: یومٌ لک و یومٌ علیک»

- ۱ ایام زمانه ز کسی دارد ننگ / کو در غم ایام نشیند دلنگ
 ۲ دور گردون گر دو روزی بر مراد مانگشت / دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور
 ۳ روزگار است آن که گه عزت دهد گه خوار دارد / چرخ بازیگر از این بازیچه ها بسیار دارد
 ۴ چنین است کردار گردنده دهر / گهی نوش بار آورد گاه زهر

۱۶ ☆ عین الصحیح فی التّرجمة:

إذا جاءکم احد دائما و طلب منکم تقوذاً لا تدفعوها الیه بل علّموه طریق تحصیلها

- ۱ وقتی کسی مدام نزدتان آمد و از شما پولی خواست آن را به او پرداخت نکنید بلکه راه به دست آوردن آن را به او بیاموزید!
 ۲ اگر کسی آمد و از شما پولی طلب کرد آن را به وی نپردازید بلکه همیشه پول در آوردن را به وی یاد دهید!
 ۳ هرگاه کسی پیوسته نزدتان آمد و پولی خواست به او نپردازید و راه در آوردن آن را به او آموزش دهید!
 ۴ وقتی کسی دائماً پیشتان آمد و پولی از شما طلب کرد آن را به وی نپردازید بلکه راه های پول در آوردن را به او یادآوری کنید!

۱۷ ☆ عین الخطأ فی التّرجمة:

- ۱ أنا أحبّ إکتساب الثّواب! : من به دست آوردن ثواب را دوست دارم!
 ۲ فاعلب أنت مع الأطفال : پس تو با کودکان بازی کن!
 ۳ و اجعل الثمر فی فهمم! : و خرما در دهان آنان قرار بده!
 ۴ و أنا أقدر منک علی تهیئة الخیزر! : و من قادر بر تهیئه نان هستیم!

۱۸ ☆ عین المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

عین التعت یختلف نوعه عن الباقي:

- ۱ ظهرت أشعة الشمس الذهبية من وراء الجبال المرتفعة! ۲ أنا راضٍ برضى الله عند مواجهة حوادث الدهر المرة!
- ۳ عليك أن تُنفقي من ثرواك العظيمة؛ يا أختي! ۴ لحظة زيارة جدتي لحظة أنتظرها منذ مدة طويلة!

۱۹ ☆ عین الصحيح فی الترجمة: عَزَمَ على بدءِ الدّراسة الثّانية من شعَرٍ بالندامة بعد تركها!

- ۱ تصميم گرفت برای بار دوم درس خواندن را شروع کند کسی که بعد از ترک کردن آن، احساس پشیمانی کرد!
- ۲ کسی که بعد از ترک تحصیل، احساس پشیمانی کند تصمیم می‌گیرد دوباره شروع به درس خواندن کند!
- ۳ کسی که درس خواندن را دوباره رها کرده بود، با احساس پشیمانی خواست درس خواندن را از سر بگیرد!
- ۴ تصمیم گرفت به شروع دوباره درس خواندن کسی که احساس پشیمانی کرد پس از این که طرد شد!

۲۰ ☆ عین الصحيح فی الترجمة:

رأيتُ في حديقتنا بلابل جميلة تُغرّد بصوتٍ جميل و نحن استرخنا تحت الأشجار الخضراء!

- ۱ در باغمان بلبل‌های زیبا را دیدم که در حال آواز خواندن با صدای زیبا بودند و ما زیر درختان سرسبز استراحت کردیم!
- ۲ بلبل‌های زیبایی را در باغمان دیدم که با صدایی زیبا آواز می‌خواندند و ما زیر درختان سرسبز استراحت کردیم!
- ۳ بلبل‌های زیبایی را که با صدایی زیبا آواز می‌خواندند در باغ دیدم و ما زیر درختان سرسبز به استراحت پرداختیم!
- ۴ در باغمان بلبل‌های زیبا هستند که با صدایی زیبا آواز می‌خوانند و ما زیر درختان سبز استراحت می‌کنیم!

۲۱ ☆ عین الصحيح فی الترجمة:

نفهم من حياة العظماء أنهم يحاولون طرد الأفكار التي تهاجمهم حول الخوف و اليأس!

- ۱ از زندگی بزرگان می‌توان فهمید که آنان برای دوری از فکریهای تلاش‌کردند که ناشی از ترس و ناامیدی است!
- ۲ از زندگی بزرگان می‌فهمیم که آنان برای دوری از افکاری می‌کوشند که دوباره ترس و یأس به آن‌ها هجوم می‌آورد!
- ۳ در زندگی افراد بزرگ درمیابیم که تلاش آنان برای دوری کردن از فکریهای مهاجم و ترس‌آور است!
- ۴ می‌توانیم از زندگی بزرگان بفهمیم که آنان کوشیدند تا افکاری را دور کنند که از ترس و ناامیدی به ایشان حمله می‌کند.

۲۲ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة :

«من أكرم من متفضل بوجود على من ليس مستأهل الرحمة ايضاً»

- ۱ هرکس برترین بخشندگان باشد به کسی که غیر مستحقّ رحمت است نیز می‌بخشد!
- ۲ کسی که از بزرگواریترین بخشندگان باشد، حتی به آن که لایق دلسوزی نیست نیز بخشش می‌کند!
- ۳ چه کسی بخشنده‌تر از کریمی است که هم‌چنین می‌بخشد به آن که شایسته‌ی رحمت نیست!
- ۴ از بزرگواری شخص کریم این است که بخشش می‌کند به کسی که اهل بخشش نیز نیست!

۲۳ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة:

- ۱ «كُنْتُ أَطالُعُ دروسی فی فصل الصّيف!» : درس‌هایم را در فصل تابستان مطالعه کرده بودم!
- ۲ «تَحَمَّلْتُ الكدح و التّعب الكثير فی أيام دراستي!» : رنج و زحمت بسیار در دوران تحصیل تحمل کردم!
- ۳ «أنا ما حاكيتُ الآخرين و اعتمدتُ على نفسي!» : من از دیگران تقلید نمی‌کنم و بر خودم اعتماد می‌کنم!
- ۴ «النباتات تُوفّر طعام الإنسان و الحيوان!» : گیاهان غذای انسان و حیوانات را فراهم می‌کنند!

۲۴ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ فی الجواب للترجمة :

«أهيبُ نفسي للذهاب إلى بيت صديقي و أريد أن أساعده في دروسه!»:

- ۱ خودم را برای رفتن به خانه‌ی دوستم آماده کردم تا در درس‌هایم به او کمک کنم!
- ۲ برای رفتن به خانه‌ی دوستم آماده شدم و می‌خواهم در درس‌ها به او کمک کنم!
- ۳ خودم را برای رفتن به خانه‌ی دوستم آماده می‌کنم تا در درس‌هایم به او کمک کنم!
- ۴ خودم را برای رفتن به خانه‌ی دوستم آماده می‌کنم و می‌خواهم در درس‌هایم به او کمک کنم!

۲۵ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ: «بعد هبوطِ أوّلِ إنسانِ على سطحِ القمرِ فهمَ العلماءُ أنّ القمرَ كوكبٌ هامدٌ و لا يقدِرُ أنّ موجودٌ حيٌّ أن يسكُنَ فيه!»:

- ۱ بعد از این که اولین انسان بر سطح ماه فرود آمد، دانشمندان فهمیدند که ماه سیاره‌ی سرد و خاموش است و موجودات زنده نمی‌توانند در آن زندگی کنند!
- ۲ بعد از این که اولین انسان را بر سطح ماه فرود آوردند، دانشمندان فهمیدند که ماه سیاره‌ی بی آب و علف است و هیچ انسانی قادر نیست که در آن زندگی کند!
- ۳ بعد از فرود آمدن اولین انسان بر سطح ماه، دانشمندان فهمیدند که ماه سیاره‌ای سرد و خاموش است و هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند در آن زندگی کند!
- ۴ بعد از فرود آمدن اولین انسان بر سطح ماه، دانشمندان فهمیدند که ماه سیاره‌ای بی آب و علف است و موجودات زنده قادر نیستند که در آن زندگی کنند!

۲۶ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ :

«شنیده‌ایم که هیچ ترسی از سیل در این روستا نیست و کشاورزان در آن با آرامش کار می‌کنند!» :

- ۱ قد سمعنا أن لا خوف من السيل في هذه القرية و يعملُ الفلاحون فيها بهدوءٍ! ۲ نسمع أن لا خوفًا من سيل في هذه القرية و يعملُ الفلاحون بهدوءٍ فيها!
- ۳ كان قد سمعنا أن لا خوفًا من السيل في هذه القرية لا خوف من سيل و الفلاحون يعمل فيها بسلام! ۴ قد سمعنا في هذه القرية لا خوف من سيل و الفلاحون يعمل فيها بسلام!

۲۷ ☆ عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ لا يحسبُ أبناءُ الشَّهيدِ أن والدهم قد نسي! : فرزندان شهید نباید بپندارند که پدر آنان فراموش شده است!
- ۲ نحن لن ننسأه أبداً لأنَّ له حقاً عظيماً علينا! : ما فراموشش نمی‌کنیم، زیرا که حق او بر ما بسیار بزرگ است!
- ۳ ولنتذكَّرُ أن سنن هذا العالم و قوانينه لا تتغير! : و باید به یاد بیاوریم که سنت‌های این جهان و قانون‌های آن تغییر نمی‌کند!
- ۴ فلا تيأس و إن رأينا أن قوَى الظلم مُسيطرَةٌ على العالم! : پس ما نباید ناامید شویم اگرچه ببینیم که نیروهای ظلم بر جهان چیره‌اند!

۲۸ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«لم يفرح أمير المؤمنين (ع) من إستقبال الناس لأنهم كانوا تعودوا أن يستقبلوه كملوكهم!»:

- ۱ امیرالمؤمنین (ع) از استقبال مردم خوشحال نشدند زیرا آن‌ها عادت کرده بودند که همچون پادشاهانشان از ایشان استقبال کنند!
- ۲ چرا امیرالمؤمنین (ع) از استقبال مردم شاد نشدند با این که از ایشان همچون پادشاهان خویش استقبال نکردند!
- ۳ امیرالمؤمنین (ع) از استقبال مردم خوشحال نبودند زیرا آن‌ها به عادت از استقبال پادشاهان خویش از ایشان استقبال کردند!
- ۴ امیرالمؤمنین (ع) ناراحت شدند چون مردم عادت کرده بودند که همچون پادشاهانشان از وی استقبال کنند!

۲۹ ☆ عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ :

- ۱ ليس الخير أن يكثر مأك و ولدك! خير این نیست که مال و فرزندت را زیاد کنی!
- ۲ الخير أن تباهي الناس بعبادة ربك! خير این است که با عبادت پروردگارت به مردم مباهات کنی!
- ۳ إن أحسنت، حمدت الله و إن أسأت إستغفرت الله! اگر کار نیک انجام دهی خدا را ستایش می‌کنی و اگر کار بد کنی از خدا طلب آمرزش می‌کنی!
- ۴ و إن أذنبت ذنباً، تداركها بالتوبة! و اگر گناهی را مرتکب شوی آنها را با توجه جبران می‌کنی!

۳۰ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّعْرِيبِ:

«دوستم گمان کرده بود که من سخنش را نمی‌فهمم!»:

- ۱ صديقي قد ظنَّ أنّي لم أفهم كلامه! ۲ كانت صديقتي قد ظنّت أنّي ما أفهم كلامه!
- ۳ صديقي قد يظنُّ أنّي لا أفهم كلامه! ۴ كان صديقي قد ظنَّ أنّي لا أفهم كلامه!

۳۱ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ لِلتَّرْجَمَةِ :

«لَمَّا شَجَعْنَا الْمُعَلِّمَ عَلَى التَّفَكُّرِ وَ التَّعَلُّمِ أَلْفَنَّا رَسَائِلَ عَدِيدَةَ فِي الْمَجَالَاتِ الْعِلْمِيَّةِ»:

- ۱ چون معلّم ما را به تفکّر و تعلّم وا داشت، مقالات زیادی در زمینه‌های علمی نوشتیم!
- ۲ تشویق معلم به تفکّر و یادگیری ما را به نوشتن مقالات بسیاری در زمینه‌های علمی وادار نمود!
- ۳ هنگامی که معلّممان به تفکّر و یادگیری تشویق کرد، مقالات زیادی در زمینه‌ی علمی تألیف کردیم!
- ۴ وقتی معلّم ما را به تفکّر و یادگیری تشویق کرد، مقالات بسیاری در زمینه‌های علمی تألیف کردیم!

۳۲ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ لِلتَّعْرِيبِ:

«آهو گویی انسانی شاعر است که ماه را با شگفتی بسیاری نظاره می‌کند!»

- ۱ الظبي كأنه إنسان شاعر يرقب القمر بإعجاب كثير! ۲ كأن الظبي هو الإنسان الشاعر الذي يرقب القمر متعجباً!
- ۳ كأن ذلك الظبي إنسان شاعر ينظر الى القمر بالإعجاب كثير! ۴ الظبي كأنه هو الشاعر الذي يرقب القمر بإعجاب كثير!

۳۳ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَتْقِ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«لأَسَاعِدَ الْمَحْرُومِينَ وَ الْمَسَاكِينَ، أَنْفَقْتُ كَثِيرًا مِنْ رَاتِبِي!» :

- ۱ باید به محرومان و بیچارگان کمک کنم، لذا بسیاری از حقوق خود را انفاق کردم!
 ۲ برای اینکه به محرومان و درماندگان کمک کنم، مقداری از حقوقم را خرج می‌کنم!
 ۳ بسیاری از حقوق خود را خرج می‌کنم تا محرومان و درماندگان را یاری کنم!
 ۴ برای این که محرومان و بیچارگان را یاری کنم، بسیاری از حقوق خود را انفاق کردم!

۳۴ ☆ عَيْنِ مَا لَيْسَ فِيهِ صَفَةٌ :

- ۱ أنا ذلك العبد الذي حَمَلَ معَكَ القربة!
 ۲ تعجَّب الأصدقاء من هذا الأمر!
 ۳ رأيت أخاك الصغير في الشارع!
 ۴ ذهب أمير المؤمنين إلى بيتٍ آخر!

۳۵ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجُوبَةِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«إلهي يهب لي رحمته و إن لست أهلاً له!»

- ۱ خدای من رحمتش را بر من می‌بخشد هر چند که من شایسته‌ی آن نباشم!
 ۲ خدایا رحمتت را بر من ببخش هر چند که شایسته آن نیستم!
 ۳ خدای من رحمتش را بر من می‌بخشد در حالی که من ناشایست هستم!
 ۴ خداوند رحمتش را بر من ارزانی می‌کند ولی من لایق آن نیستم!

۳۶ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ :

- ۱ أَفْضَلُ أَصْدِقَانِي مَنْ يُسَاعِدُنِي أَكْثَرَ مِنَ الْآخِرِينَ! : بهترین دوستان ما کسی است که بیش تر از دیگران به ما کمک می‌کند!
 ۲ إِذَا تَرَكْنَا الْحَرَصَ نَعِيشُ فِي رَاحَةٍ! : هنگامی که حرص را ترک کردیم به راحتی زندگی کردیم!
 ۳ لَا تُسَاعِدُ الْخَفَافِيضَ عِنْدَ الطَّيْرَانِ إِلَّا آذَانَهَا! : گوش خفاش‌ها به هنگام پرواز به آن‌ها کمک می‌کند!
 ۴ مَا كُنَّا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَسْتَرْكَ فِي الْحَفَلَةِ! : نتوانستیم که در جشن شرکت کنیم!

۳۷ ☆ عَيْنِ الْخَطَأِ فِي التَّرْجَمَةِ :

- ۱ نَحْنُ نَدَافِعُ عَنْ حَقُوقِنَا مُشْتَاكِينَ لِلْوَصُولِ إِلَى النِّجَاحِ! : ما از حقوقمان دفاع کردیم و مشتاق رسیدن به موفقیت هستیم!
 ۲ هَذَا الْأَمْرُ مَا أَكْشَفَ إِلَّا فِي الْقَرْنِ الْآخِرِ! : این امر تنها در قرن اخیر کشف شد!
 ۳ لَا يَتَمَتَّعُ بِهَذِهِ الْقُدْرَةِ الْإِلَهِيَّةِ إِلَّا الْخَفَاشُ! : از این قدرت الهی تنها خفاش بهره می‌برد!
 ۴ لَا تَنْسِينَ مَسَاعِدَةَ الْفُقَرَاءِ أَيُّهَا الْمُؤْمِنَاتُ! : ای زنان مؤمن، کمک به فقیران را فراموش نکنید!

۳۸ ☆ عَيْنِ مَا لَا يَنَاسِبُ لِمَفْهُومِ هَذِهِ الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ: «مَنْ أَحْسَنَ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَ عَمَلَ صَالِحًا.»

- ۱ كونوا دعاة الناس بغير ألسنتكم!
 ۲ الداعي بلا عمل كالزّامي بلا وتر!
 ۳ «لم تقولون ما لا تفعلون»
 ۴ «من عمل صالحاً فلنفسه و من أساء فعليها»

۳۹ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ :

«إذا أردت أن تعيش في حياتك بالفرح و الراحة فما عليك إلا أن تدعَ الحرص لأنَّ الانسان الحريص لا ينال مُناه!» : اگر بخواهی...

- ۱ در زندگی‌ات فقط با شادی و راحتی زندگی کن. تو باید حرص را رها کنی، زیرا انسان حریص به آرزویش نمی‌رسد!
 ۲ در زندگی‌ات با شادی و آسودگی زندگی کنی بر تو لازم است که تنها طمع را رها کنی، زیرا انسان حریص به آرزوهایش نمی‌رسد!
 ۳ که با شادی و آسایش زندگی کنی بر تو لازم است که طمع را رها کنی، زیرا حریص به آرزویش نخواهد رسید!
 ۴ در زندگی شادی و خرمی داشته باشی تنها بر تو لازم است که حریص نباشی، زیرا انسان با طمع به آرزوهایش نمی‌رسد!

۴۰ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَ وَالْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ :

«بهار آمده است تا از لبخند شکوفه‌های رنگارنگ و بوی خوشی که از دهانشان پخش می‌شود، بهره‌مند شویم!» :

- ۱ قد أتى الربيع لتمتّع بتبسم الأزهار المتلوّنة و رائحة طيبة تفوح من فيها!
 ۲ قد جاء الربيع فعلمنا أن نستفيد من تبسم الأزهار المتلوّنة و انتشار رائحتها الطيبة!
 ۳ الربيع وردَ لنتفع من تبسم الأزهار المتلوّنة و الرائحة الطيبة التي تنتشر من فيها!
 ۴ الربيع أتى فلنستمتع بالتبسم الأزهار المتلوّنة و عطر طيب يفوح منها!

۴۱ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ تَدَوَّقَ البارودي مَرَّ الحَيَاةِ وَ حَلَوَهَا: بارودي تلخی زندگی و شیرینی آن را می چشدا!
- ۲ وَ لَذَلِكَ شَجَّعَ الشَّبَابَ إِلَى إِغْتِنَامِ الفُرْصَةِ! : به همین خاطر جوانان به غنیمت شمردن فرصت تشویق می شوند!
- ۳ وَ قَدْ اسْتَفَادُوا مِنَ الفُرْصِ لِلوَصُولِ إِلَى الشَّرْفِ! : و از فرصت ها برای رسیدن به شرافت استفاده کرده اند!
- ۴ وَ يَعْتَقِدُونَ أَنَّ مِنْ تَعَرَّفَ عَلَى حَقِيقَةِ الحَيَاةِ نَاجِحٌ فِي حَيَاتِهِ! : و معتقدند هرکس حقیقت زندگی را شناخت در زندگی موفق است!

۴۲ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

- ۱ «كَانَ هُوَ لَمَّا زَمَّ لَمَّا يَكْرَمُونَ ضِيْفَهُمْ إِكْرَامًا بِالْعَمَلِ»: این همکلاسی ها میهمانان خود را بسیار گرامی می داشتند!
- ۲ «يُحَاسِبُ الْبِخْلَاءَ فِي الْآخِرَةِ حَسَابَ الْغَنِيَاءِ»: خسیسان را در آخرت هم چون ثروتمندان محاسبه می کنند!
- ۳ «أَبُوهُ لَمْ يُقْبَلْ وَلَدُهُ وَ نَبِيْنَا الْكَرِيمِ إِتْرَاعٌ مِنْ ذَلِكَ الْعَمَلِ!»: وقتی پدرش او را نبوسید پیامبر بزرگوار از آن کار ناراحت گردید!
- ۴ «قَدْ هَيَّأْنَا لِأَوْلَادِكَ الشَّرَافِيْنَ طَعَامًا وَ لِدَوْلَاهِمُ عِلْفًا كَثِيرًا!»: ما برای آن دوستانان غذا و برای چاربايان علف بسیاری تهیه کردیم!

۴۳ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ:

«إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ»:

- ۱ یقیناً ما آسمان نزدیک تر را با زیوری، ستارگان آراستیم!
- ۲ همانا ما آسمان دنیا را با زیور ستارگان آراستیم!
- ۳ مسلماً جهان را با آرایشی از ستاره ها زینت داده ایم!
- ۴ به راستی ما آسمان نزدیک تر را با ستارگان زینت می بخشیم!

۴۴ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الجَوَابِ لِلتَّرْجَمَةِ؟ «مَنْ هُوَ أَكْثَرُ شَهَامَةٍ مِنَ الْمُقَاتِلِينَ الَّذِينَ كَانُوا حَبَّ الشَّهَادَةِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُدَقُّ أَبْوَابَ قُلُوبِهِمْ كُلَّ يَوْمٍ!»:

- ۱ شهامت چه کسی بیش تر است از آن مجاهدانی که روزها درهای قلبشان را عشق به شهادت در راه خدا کوبیده بود؟
- ۲ چه کسی باشاهمت تر از پیکارجویانی است که عشق به شهادت در راه خدا درهای قلب هایشان را هر روز می کوبید؟
- ۳ آیا کسی باشاهمت تر از جنگجویانی که هر روز شهادت در راه الله عاشقانه درهای قلبشان را می زند، وجود دارد؟
- ۴ باشاهمت تر از سربازانی که عشق به شهید شدن در مسیر خداوند همواره در قلب هایشان را می زند، کیست؟!

۴۵ ☆ «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا» عَيْنِ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ فِي الْمَفْهُومِ:

- ۱ «إِنْ تَفَرَّضُوا اللَّهَ فَرَضًا حَسَنًا يُضَافِعْهُ لَكُمْ»
- ۲ نیکویی را ثواب هفتاد است/ از خدا و بر این رسول گواست
- ۳ مَنْ يُعْطِ بِاليدِ الْقَصِيرَةِ يُعْطِ بِاليدِ الطَّوِيلَةِ!
- ۴ و گر قدر یک ذره گردست شر/ جزایش در آن روز ببند بشر

۴۶ ☆ «مِفْتَاحُ الْهُدُوءِ هُوَ أَنْ نَعْلَمَ أَنَّهُ لَا إِثْرَ لِرَأْيِ الْآخِرِينَ فِي حَيَاتِنَا!»:

- ۱ کلید آرام بودن این است که نظر دیگران در زندگی ما هیچ تأثیری ندارد!
- ۲ کلید آرامش یعنی بدانیم برای رأی دیگران در زندگی ما اثری وجود ندارد!
- ۳ کلید آرامش آن است که بدانیم نظر دیگران هیچ تأثیری در زندگی ما ندارد!
- ۴ کلید آرام بودن آن است که می دانیم برای رأی دیگران در زندگی ما اثری وجود ندارد!

۴۷ ☆ «إِذَا أَسَاءَ إِلَيْكَ أَحَدٌ مَقَابِلَ مَرُوءَةٍ تَكِ إِلَيْهِ، فَلَا تُخَيِّرِ النَّاسَ بِمَا فَعَلَ بِكَ حَتَّى لَا تَزُولَ المَرُوءَةُ فِي الدُّنْيَا!»:

- ۱ هنگامی که کسی در مقابل جوانمردیت به او، به تو بدی کرد، مردم را از آن چه با تو کرده باخبر مکن تا جوانمردی در دنیا از بین نرود!
- ۲ آن گاه که کسی در برابر جوانمردی تو بدی کند، به مردم درباره آن چه با تو کرده است، چیزی مگو تا جوانمردی در دنیا باقی بماند!
- ۳ چنان چه بدی کردن شخصی به تو در برابر مرورت تو بود، آن را برای مردم دیگر بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا باقی بماند!
- ۴ اگر شخصی مقابل مرورت تو، بدخواه تو بود، آن چه را با تو کرده به دیگر مردم بازگو مکن، تا جوانمردی در دنیا از بین نرود!

۴۸ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ الضَّمِيرِ (عَلَى حَسَبِ مَرَجَعِهِ):

- ۱ فی مدرستنا مدیرة ذكیة، تُرْجِعُ الْأُمُورَ كُلَّهَا إِلَيْهِ!
- ۲ كان هذا الطِّفْلُ يَبْكِي لِأَنَّ أُمَّهُ لَمْ تَكُنْ فِي جَنْبِهِ!
- ۳ اشتریت اشیاء كثيرة من السُّوقِ، بَعْضُهُ لِأُمِّي، فَدَفَعْتُهَا لَهُ، فَفَرِحَتْ!
- ۴ قال أحد العلماء: لا تخاف من الموت لأنه سفر لنائم من مكان إلى مكان آخر!

۴۹ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ وَ التَّعْرِيبِ أَوْ الْمَفْهُومِ

عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ هل أنت أعلم من الأفضل بينهم؟ : آیا تو می دانی چه کسی در میان آن ها برتر است؟
- ۲ اولئك طالبات مجتهدات! : آن دانش آموزان دختر، کوشا هستند!
- ۳ الهی یَسِّرْ لی امری! : خدای من کارم را برای من آسان کرد!
- ۴ العاقل من إبتعد عن الباطل! : کسی عاقل است که از باطل دوری می کند!

۵۰ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي التَّرْجَمَةِ:

«إمامکم من اکتفی بقلیل من الدنیا و طلب منکم أن تُعینوه بالعمل الصالح!»:

- ۱ امام شما کسی است که به ناچیزی از دنیا اکتفا کرده و از شما خواسته که با کار شایسته او را یاری کنید!
- ۲ این امام شماست که از دنیا به مقداری ناچیز بسنده کرده با عمل صالح به شما یاری می رساند!
- ۳ رهبر شما کسی می باشد که دنیا را ناچیز پنداشته و از شما خواسته که با کار نیکو او را یاری کنید!
- ۴ کسی امام شماست که به ناچیزی از دنیا بسنده کرد و خواسته ای او از شما یاری رساندن با عمل شایسته است!

۵۱ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ:

«گرگ با دقت به اطرافش نگاه کرد و از پناهگاه خارج شد تا به دنبال گوسفندی که از گله دور شده بود بگردد!»

- ۱ كان الذئب رأى حوله بدقة و خرج من المأمن ليفتس عن غنم كان يبتعد من القطيع!
- ۲ ينظر الذئب إلى حوله بدقة ثم خرج من مأمنه ليفتس عن الغنم الذي ابتعد من القطيع!
- ۳ الذئب رقب حوله و خرج من المأمن حتى يفتس عن غنم كان ابتعد من القطيع!
- ۴ يرقب الذئب حوله ثم يخرج من مأمنه ليفتس عن الغنم الذي يبتعد من القطيع!

۵۲ ☆ عَيْنِ الْخَطَأِ:

- ۱ زیباترین حیوانات از نظر من آهویی است که در یکی از جزایر استوایی زندگی می کند! : أجمل الحيوانات في رأيي ظيبي يعيش في إحدى الجزر الإستوائية!
- ۲ این دانش آموزان در خواندن درس های سخت خود کوتاهی نخواهند کرد! : هؤلاء التلميذات لن يهملن في قراءة دروسهن الصعبة!
- ۳ تو باید زبان عربی را یاد بگیری تا بتوانی با آن صحبت کنی! : عليك أن تتعلمي اللغة العربية لتقدي أن تتكلمي بها!
- ۴ اگر دانش آموزان به کتابخانه بروند کتاب های ارزشمندی می یابند! : إن التلاميذ يذهبوا إلى المكتبة يجدوا كتباً قيمة!

۵۳ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّعْرِيبِ:

«همانا اهدافی که انسان خواستار تحقق آن هاست به زمان های طولای نیازمند است!»

- ۱ إن الأغراض التي يريد الإنسان تحقيقها تحتاج إلى أزمان طويلة!
- ۲ إن الغرض الذي يريد المرء تحقيقها يحتاج إلى أزمان طويل!
- ۳ إن الأهداف الالتي يريد الإنسان تحقيقها تحتاج إلى زمن طويل!
- ۴ إن الأهداف التي تريد المرء تحقيقها يحتاج إلى زمن طويلة!

۵۴ ☆ عَيْنِ الْخَطَأِ عَنِ مَفْهُومِ الْعِبَارَاتِ:

- ۱ «الذهر يومان يوم لك و يوم عليك!»: چنین است رسم سرای درشت / گهی پشت به زین و گهی زین به پشت!
- ۲ «عمل الحسنات فالحسنات يُذهبن السيئات»: چو نیکی کنی نیکی آید برت / بدی را بدی باشد اندر خورت!
- ۳ «الإنسان حين يعتمد على غيره لن يعمل عملاً هاماً»: کس نخارد پشت من / جز ناخن انگشت من!
- ۴ «تأمل قبل أن تبدأ بالعمل!»: نباید سخن گفت ناساخته / نشاید بریدن نینداخته!

۵۵ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ إذا أهديت المقالات إلى أصدقائي رجوت أن يقبلوها! وقتی مقاله ها را به دوستانم هدیه دادم امیدوارم آن ها را بپذیرند!
- ۲ هل تريدون أن نحسب هذا من خراجكم؟ آیا می خواستید این را از مالیاتان حساب کنیم؟
- ۳ كان الناس في عيد الأضحى مسرورين و لبسوا أحسن ملابسهم! مردم در عید قربان خوشحال بودند و بهترین لباس ها را پوشیده بودند!
- ۴ إن لم ينه الوالد ولده من عمله القبيح دلّ على أنه لم يرح هدايته! اگر پدر فرزندش را از کار زشتش نهی نکند نشان می دهد که او امیدی به هدایتش ندارد!



۵۶ ☆ عَيْنُ الْأَنْسَبِ لِمَفْهُومِ هَذِهِ الْآيَةِ الْمُبَارَكَةِ: «و عبَادِ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا»

- ۱ شاه و گدا به دیدی دریادلان یکی است
۲ افتادگی آموز اگر طالب فیضی
۳ حریص را نکند دو عالم سیر
۴ اقبال خصم هر چه فزون تر شود نکوست
- پوشیده است پست و بلند زمین در آب
هرگز نخورد آب زمینی که بلند است
همیشه آتش سوزنده اشتها دارد
فواره چون بلند شود سرنگون شود

۵۷ ☆ عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي التَّرْجُمَةِ:

«بدانید که آراستگی انسان به اخلاق نیکو او را به اهداف والایش می‌رساند!»

- ۱ إَعْلَمُوا أَنَّ التَّحَلِّيَ بِالْأَخْلَاقِ الْفَاضِلَةِ يُوصلُ الْإِنْسَانَ إِلَى أَهْدَافِهِ الْعَالِيَةِ!
۲ لِيَعْلَمُوا أَنَّ التَّمَسُّكَ بِالْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ يُوصلُ الْإِنْسَانَ إِلَى غَايَاتِهِ السَّامِيَةِ!
۳ إَعْلَمُوا أَنَّ التَّحَلِّيَ بِالْأَخْلَاقِ الْفَاضِلَةِ يُوصلُ الْإِنْسَانَ إِلَى الْغَايَاتِ السَّامِيَةِ لَهُ!
۴ عَلَيْكُمْ أَنْ تَعْلَمُوا التَّمَسُّكَ بِالْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ يُوصلُ الْإِنْسَانَ إِلَى الْأَهْدَافِ الْعَالِيَةِ!

۵۸ ☆ عَيْنُ الْأَصْحَحِ وَالْأَدَقِّ فِي الْأَجْوِبَةِ لِلتَّرْجُمَةِ

الزَّمِ التَّفَكَّرَ وَ التَّعَلَّمَ فَهُمَا أَمْرَانِ قَدْ شَجَّعَ الْإِسْلَامَ الْمُسْلِمِينَ بِهِمَا مِنْذُ ظُهُورِهِ!

- ۱ همراه تفکر و آموختن باش، زیرا این امور از ابتدای ظهور اسلام مورد تأکید بوده و مسلمانان به آن تشویق شده‌اند!
۲ تفکر و تعلیم بر تو واجب است، چه این دو امر همان است که اسلام از ابتدای ظهور به مسلمانان تأکید کرده است!
۳ بر تفکر و آموزش متعهد باش، زیرا آن‌ها اموری هستند که اسلام از ابتدای ظهورش مسلمین را بدان‌ها تشویق کرده است!
۴ پای بند تفکر و یادگیری باش، چه آن‌ها دو امری هستند که اسلام از ابتدای ظهورش مسلمانان را بدان‌ها تشویق کرده است!

۵۹ ☆ عَيْنُ الْخَطَأِ:

- ۱ هذه اليد يحبها الله : اين دست است و خداوند آن را دوست می‌دارد!
۲ هذه يد يحبها الله : اين دستي است که خداوند آن را دوست می‌دارد!
۳ هؤلاء المكرمون لا يتكبرون على أولئك : اين گراميان بر آن‌ها تکبر نمی‌ورزند!
۴ هؤلاء مكرمون لأنهم لا يتكبرون على الآخرين : اينان گرامي هستند، چون بر ديگران تکبر نمی‌کنند!

۶۰ ☆ عَيْنُ الْجُمْلَةِ الْوَصْفِيَّةِ فِعْلًا مَجْهُولًا:

- ۱ لَيْسَ الْجَمَالُ بِأَثَابٍ زُبَيْتًا! كَأَنَّ الْعُلَمَاءَ أَحِبَاءَ لَا يَمُوتُونَ! ۲ أَسْمَاءُ الْعُلَمَاءِ تُذَكَّرُ بِاحْتِرَامٍ! ۳ بَعْضُ الْكُتُبِ يُضَرُّ بِالْفَضَائِلِ!

۶۱ ☆ عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ التَّفْضِيلُ:

- ۱ أَرِيدُ سِرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ. ۲ زَيْنًا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحِ.
۳ وَ اسْتَقْبَلُوا مِنْهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى، مِثْلَ «يَكْتَبُونَ». ۴ التَّبِيُّ قَالَ: «حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ.»

۶۲ ☆ عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- ۱ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ» ۲ «الْإِسْتِهْزَاءُ بِالْآخَرِينَ وَ تَسْمِيَتُهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.»
۳ «قَالَ التَّبِيُّ: حَسْبُكَ مِنْ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَرْبَعٌ...» ۴ «الْوَلُّونُ الْأَحْمَرُ لَوْنٌ يَخْتَفِي فِي الْبَحْرِ.»

۶۳ ☆ عَيْنُ الْخَطَأِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:

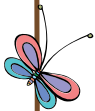
- ۱ الظلم على الضيف أفتح الظلم، و هذا العمل مذموم! ظلم بر ضعيف، زشت ترين ظلم است و اين كار ناپسند است!
۲ و إن عبادتهم عبادة الأحرار، و هي أفضل العبادات! و عبادت آن‌ها، مثل آزادگانست که عبادت برتر شناخته می‌شود!
۳ تفكر ساعة خير من عبادة سبعين سنة! ساعتی اندیشیدن بهتر از عبادت هفتاد سال است!
۴ شر الناس من لا يعتد الأمانة و لا يجنب الخيانة! بدترین مردم کسی است که پایبند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند!

۶۴ ☆ عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي جَاءَ فِيهَا الْمَفْعُولُ:

- ۱ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ! لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ!
۲ يَا سَائِرَ كُلِّ مَعْيُوبٍ؛ وَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ! يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ وَ يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ!

۶۵ ☆ عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي جَاءَ فِيهَا الْفَاعِلُ:

- ۱ يُضَعُّ الْخَيْرُ مِنَ الْعَجِينِ. ۲ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ.
۳ خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أهدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ. ۴ تَفَكَّرُ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً.



۶۶ ☆ عَيْنِ الْخَطَا فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ:

- ۱) أَفْضَلُ النَّاسِ أَكْثَرُهُمْ عَقْلاً: برترین مردم، عاقل ترین آن ها هستند!
 ۲) أَحْسَنُ عِبَادَتِكَ عِنْدَ اللَّهِ أَخْفَاهَا!: بهترین عبادت ها نزد خداوند آن است که پوشیده تر باشد!
 ۳) أختَارَ اللَّهُ رِسَالَتَهُ أَصْدَقَ الرِّجَالِ لِسَاناً!: خداوند برای رسالتش راستگوترین مردان را انتخاب کرد!
 ۴) أَكْثَرُ الْعِبَادِ ارْتِفَاعاً فِي الدَّرَجَاتِ أَذْكَاهُمْ!: بلندمرتبه ترین بندگان در رتبه ها و درجات با ذکاوت ترین آن ها هستند!

۶۷ ☆ عَيْنِ الْأَصْحَحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ: «أَنْصَحُ النَّاسَ لِنَفْسِهِ أَطْوَعَهُمْ لِرَبِّهِ»

- ۱) بِنْدَآمُوزْتَرِينِ مَرْدَمِ، خُودِ كَسِي اسْتِ كِه نَسَبْتِ بِه پَرُورْدِگَارَشِ مَطْبِعِ تَرِ بَاشَد.
 ۲) خَيْرِخُوهِ مَرْدَمِ كَسِي اسْتِ كِه نَسَبْتِ بِه پَرُورْدِگَارَشِ مَطْبِعِ تَرِينِ اسْتِ.
 ۳) خَيْرِخُوهِ تَرِينِ مَرْدَمِ بَرایِ خُودِ مَطْبِعِ تَرِينِ آن هَا بِه پَرُورْدِگَارِ خُويشِ اسْتِ.
 ۴) خَيْرِخُوهِ تَرِينِ مَرْدَمِ كَسِي اسْتِ كِه نَسَبْتِ بِه پَرُورْدِگَارَشِ مَطْبِعِ بَاشَد.

۶۸ ☆ عَيْنِ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- ۱) اسْتَخْرَجَ خَمْسَةَ أَسْمَاءٍ تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتَاحِ.
 ۲) «وَمَا تَقْدَمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ»
 ۳) إِنْ تَزَوَّجْ خَيْرًا، تَخْضُدْ سُورًا.
 ۴) زَيْنَا السَّمَاءِ الدُّنْيَا بِصَلَابِيحٍ»

۶۹ ☆ عَيْنِ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- ۱) قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ
 ۲) قَمَنْ يُعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ
 ۳) عِنْدِي لَوْنٌ أبيضٌ وَأَسْوَدٌ وَأَزْرَقٌ وَأَحْمَرٌ وَ...
 ۴) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْاضِلُ.

۷۰ ☆ عَيْنِ اسْمِ التَّفْضِيلِ خَيْرًا؟

- ۱) «خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ»
 ۲) «حَيٌّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»
 ۳) «أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ»
 ۴) الْعَيْبَةُ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

۷۱ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي قِرَاءَةِ الْكَلِمَاتِ مِنَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ.

- ۱) السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِضَّةٌ.
 ۲) خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ غُيُوبَكُمْ.
 ۳) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.
 ۴) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

۷۲ ☆ عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِمَفْهُومِ الْآيَةِ:

«وَلَا تَصْعُرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمَسَّ فِي الْأَرْضِ مَرْحاً إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»

- ۱) آسْمَانِ خَاكِ رِه مَرْدَمِ بِي آزارِ اسْتِ / گَرِگِ دَرِ گَلِهِي اَيْنِ قَوْمِ شَبَانِ مِي گَرْدِ
 ۲) اِنْدَازِه نِگِه دَارِ كِه اِنْدَازِه نِگِوسْتِ / هِم لَایقِ دِشْمَنِ اسْتِ وَ هِم لَایقِ دُوسْتِ
 ۳) اِفْتَادِگِي اَمُوزِ اِگَرِ طَالِبِ فِیضِي / هِرْگِرْگِ نِخُورْدِ آبِ زِمِينِي كِه بَلَنْدِ اسْتِ
 ۴) دِسْتِ چُو مَانْدِ بِه زَبَرِ سِنِگِ / جِزِ بِه نَرْمِي كِي تُوَانِ بِيروُنِ كَشِيدِ

۷۳ ☆ عَيْنِ الْخَطَا عَنِ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

- ۱) الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السُّوءِ!
 ۲) أَكْبَرُ أَوْلَادِ الْأَسْرَةِ هُوَ الْخُلُوعِيُّ!
 ۳) صَدِيقَتِي صُغْرَى مِنْ أَخْتِي سَيِّئًا!
 ۴) أَحَبُّ التَّلْمِیْذَةِ الْفُضْلِيُّ مِنْ بَيْنِ جَمِيعِ تَلْمِیْذَاتِي!

۷۴ ☆ عَيْنِ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ: «تَنْصَحُنَا آيَتَانِ مَبَارَكَتَانِ فِي سُورَةِ الْحَجَرَاتِ بِتَرْكِ صِفَتَيْنِ: الْأُولَى: عَيْبِ الْآخَرِينَ وَ الثَّانِيَةِ: تَلْقِيبِ النَّاسِ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا»

- ۱) دُو آيَةِ مَبَارَكِ اِزِ سُورَةِ «الْحَجَرَاتِ» مَا رَا بِه تَرْكِ دُو صِفْتِ دَعُوتِ مِي كَنْد: نَخَسْت: عَيْبِ جُوبِي اِزِ دِیْگَرَانِ وَ دُوم: مَلَقَبِ كَرْدَنِ اَنَانِ بِه صِفَاتِي كِه بَدِشَانِ بِيَايْد!
 ۲) دَرِ سُورَةِ «الْحَجَرَاتِ» دُو آيَةِ مَبَارَكِ مَا رَا سَفَارَشِ مِي كَنْد تَا دُو وِیْزِگِي رَا اِزِ خُودِ دُورِ كَنِيم: اَوَّلِي: عَيْبِ گَرْتَنِ اِزِ مَرْدَمِ وَ دُوم: دَاَدَنِ لَقَبِ هَايِ بَدِي بِه اَنَانِ كِه خُوشِشَانِ نَمِي آيْد!
 ۳) دُو آيَةِ مَبَارَكِ دَرِ سُورَةِ «الْحَجَرَاتِ» مَا رَا بِه تَرْكِ كَرْدَنِ دُو خِصْلَتِ بَنْدِ مِي دِهْد: اَوَّل: عَيْبِ جُوبِي كَرْدَنِ اِزِ دِیْگَرَانِ وَ دُوم: مَلَقَبِ كَرْدَنِ مَرْدَمِ بِه لَقَبِ هَايِ كِه اَن هَا رَا نَاپَسَنْدِ مِي دَارَنْد!
 ۴) دَرِ سُورَةِ «الْحَجَرَاتِ» دُو آيَةِ مَا رَا اِزِ دُو صِفْتِ بَازِ مِي دَارَنْد: يَكِي اَيْنِ كِه اِزِ مَرْدَمِ عَيْبِ جُوبِي كَنِيمِ وَ دُومِ اَن كِه بِه اَنَانِ لَقَبِ هَايِ بَدِيهِمِ كِه اَن هَا رَا نَاپَسَنْدِ مِي دَارَنْد!

۷۵ ☆ عَيْنِ الْأَبْعَدِ عَنِ مَفْهُومِ الْعِبَارَةِ: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ»

- ۱) هَمِه عَيْبِ خَلْقِ دِيدَنِ نِه مَرُوتِ وَ نِه مَرْدِي
 ۲) عَيْبِ مَرْدَمِ رَا مِگُو اِي خُودِ پَرِسْتِ
 ۳) غَافِلِ اِزِ عَيْبِ وَ غَرَقِ دَرِ عَيْبِ هَمِه
 ۴) عَيْبِ كَسَانِ مَنگَرِ وَ اِحْسَاسِ خُويشِ
 نِگِهِي بِه خُويشْتَنِ كِنِ كِه هَمِه گِناهِ دَارِي
 عَيْبِ جُوبِي هِمِ بِه دِنْبَالِ تُو هَسْتِ
 دَرِ مَسِيرِ عَيْبِ جُوبِي سَعِي كُوشَا مِي كِنِي
 دِيدِه فَرُو بَرِ بِه گَرِيبَانِ خُويشِ

۷۶ ☆ عَيْنٌ ما لیس فیہ اسم التفضیل:

- ۱) أعلى جبل فی ایران دماوند.
۲) أقل الناس درجة فی الآخرة أهل المعاصی.
۳) أحبُّ كرة القدم فی زمن طفولتیه.
۴) فاطمة الکبری بنت رسول الله (ص).

۷۷ ☆ عَيْنُ الخَطَأِ فی مفهوم هذه العبارات:

- ۱) أحبُّ عباد الله إلى الله أنفعهم لعباده! ← عبادت به جز خدمت خلق نیست!
۲) عداوة العاقل خیر من صداقة الجاهل! ← دشمن دانا بلندت می کند، بر زمینت می زند نادان دوست!
۳) أكبر العیب أن تعیب ما فیک مثله! ← سیر به نیاز میگه: چقدر بدبویی!
۴) السُّكُوتُ ذمٌّ و الكلامُ فِضَةٌ! ← تا مرد سخن نگفته باشد، عیب و هنرش نهفته باشد!

۷۸ ☆ عَيْنٌ ما یخْتَلِفُ عن الباقی :

- ۱) مطاعم القاهرة أكثر من مطاعم الأردن!
۲) قيمة المنازل فی طهران أكثر من سایر بلاد ایران!
۳) ملعبٌ آزادی أكبر ملاعب كرة القدم فی ایران!
۴) الشاب المتنعم لا يستطيع المقاومة أمام المشاكل!

۷۹ ☆ عَيْنُ المناسب للجواب عن الأسئلة التالية:

عَيْنُ الخَطَأِ فی بیان قواعد اسم التفضیل:

- ۱) جمعُ اسم التفضیل يأتي على وزن «مفاعل»!
۲) اسم التفضیل للمؤنث يأتي على وزن «فعلی»!
۳) قد تأتي كلمة «خیر» بمعنى اسم التفضیل!
۴) قد يأتي وزن «أفعل» للقياس بين الإسمین المؤنثین!

۸۰ ☆ عَيْنٌ ما لیس فیہ اسم التفضیل:

- ۱) أهدى إلى زمیلی قميصاً أرزق!
۲) هذا أحسنُ سروال عندنا!
۳) هذه أعلى الأشجار فی العالم!
۴) اشتریت أربع حقائب من أعلى الأسعار!

۸۱ ☆ عَيْنُ الصَّحیح لما تحته خطٌّ فی العبارة التالية: «إِنَّ أَحَبَّ إِخْوانی مَنْ أَحَبَّ أَلَّا يُغْتَابَ الآخَرینَ وَ لا یَعِیْبَهُم!»

- ۱) الفعل الماضي - اسم التفضیل
۲) اسم التفضیل - اسم التفضیل
۳) الفعل الماضي - الفعل الماضي
۴) اسم التفضیل - الفعل الماضي

۸۲ ☆ عَيْنٌ جواب الشرط فی هذه العبارة:

«إذا أصابها شيءٌ قاطعٌ، وقسمها إلى نصفین، أخذهما بلا رأسٍ و الآخر بلا ذیل، فإن هذين النصفین ینموان...»

- ۱) فإن هذين النصفین ینموان!
۲) قسمها إلى نصفین!
۳) أخذهما بلا رأس!
۴) ینموان!

۸۳ ☆ عَيْنٌ «ما» تُعبر علامة آخر الفعل فی اللفظ:

- ۱) قلت لصديقتي: ما تفعلی من أعمال الخیر تشاهدی ثمرتها.
۲) ما فعلت من الخیرات، وجدتها ذخيرةً لاخرتك!
۳) ما أحبُّ أن يراني المعلم!
۴) ما نتجح الذي لم ينظر في عواقب الأمور!

۸۴ ☆ فی أيّ عبارة ما جاء «اسم الفاعل»؟

- ۱) كان الشبابُ يلبعون بالكرة على ملعب «آزادی» فی طهران!
۲) أريد أن أكتب ترجمة النصّ مستعيناً بالمعجم!
۳) إن الامتحانات تُساعد التلاميذ لتعلم دروسهم فی العالم البشري.
۴) الثهاة بالمنكر في مدرّسة البرز «ماندگار» كتيرون!

۸۵ ☆ عَيْنٌ ما جاء فيها اسم الفاعل و اسم المفعول معاً:

- ۱) الصديقُ من كان ناهياً عن الظلم و العُدوان مُعيناً على البر و الإحسان!
۲) الركبُ جماعةٌ من المسافرين يسافرون على الدواب!
۳) قال المجرّب: الملمعاتُ أشعارٌ فارسيةٌ ممزوجةٌ بالعربية!
۴) و علينا أن نكون مُستأففين إلى الأعمالِ الصالحة، و ناهين عن المُنكر، و صابرين على المشاكِل.

۸۶ ☆ عَيْنٌ «ما» الشرطيّة:

- ۱) ما فعلت من الخیرات، وجدتها ذخيرةً لاخرتك!
۲) ما اسمُ الكتاب الذي قرأه مهراؤ في مجال التربية و التعليم!
۳) ما قسم الله للعباد شيئاً أفضل من الفل!
۴) ما سبب أن تحدث هذه الظاهرة العجيبة!

۸۷ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنْ نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ وَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ.

ما تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا، تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

- ۱ تَزْرَعُ: فعل مضارع، دوم شخص مفرد، له حرف زائد
۲ الدُّنْيَا: اسم مفرد، اسم تفضيل / مجرور بحرف جر
۳ تَحْصُدُ: فعل مضارع، دوم شخص مفرد، لا يحتاج إلى المفعول
۴ الْآخِرَةِ: اسم، مفرد مؤنث، تفضيل / مجرور بحرف جر

۸۸ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنْ نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ وَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ.

«مَنْ يُفَكِّرُ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمَ مِنَ الْخَطَا غَالِبًا.»

- ۱ يُفَكِّرُ: فعل مضارع، سوم شخص مفرد، له حرفان زائدان / فعل شرط
۲ يَسْلَمُ: مضارع، سوم شخص مفرد، له حرف زائد / جواب شرط
۳ الْخَطَا: اسم، مفرد، مذكر «جَمْعُهُ خَطَايَا»
۴ غَالِبًا: اسم فاعل، مفرد مذكر، من فعل ليس له حرف زائد

۸۹ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنْ نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ وَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ.

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»

- ۱ تَنْصُرُوا: فعل مضارع، دوم شخص جمع، ليس له حرف زائد / فعل شرط
۲ اللَّهُ: اسم، مفرد مذكر / فاعل
۳ يَنْصُرُ: فعل، سوم شخص مفرد، يحتاج إلى المفعول، له حرف زائد / جواب شرط
۴ يُثَبِّتْ: فعل مضارع، يحتاج إلى المفعول، له حرف زائد / جواب شرط

۹۰ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنْ نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ وَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ.

مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ.

- ۱ عَلَّمَ: فعل ماضٍ، سوم شخص مفرد، يحتاج إلى المفعول، له حرفان زائدان / فعل شرط
۲ أَجْرٌ: اسم، مفرد مذكر / مبتدأ مؤخر و مضاف لـ «مَنْ»، «فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ»: جواب شرط
۳ لَا يَنْقُصُ: فعل مضارع، يحتاج إلى المفعول / ليس له حرف زائد
۴ الْعَامِلِ: اسم، مفرد مذكر، اسم فاعل / مجرور بحرف جر

۹۱ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ۱ علينا أن لا نقطع كلام المعلم ولا نسيقه بالكلام! ما نباید سخن معلم خویش را قطع کنیم و یا این که در سخن گفتن از او سبقت بگیریم!
۲ قال شاعر مصري عن المعلم: «مُ لِلْمَعْلَمِ وَقَه التَّجِيلُ»: شاعری مصری درباره معلم گفته است: «برای معلم بر خیز (و) احترامش را کامل به جا بیاور!»
۳ حاولت كثيراً و وصلت إلى أهدافك النافعة! بسیار تلاش کردم و به اهداف سودمندی هم رسیدم!
۴ الخيرات تصبح ذخيرة لآخرة فاعلها دائماً! کارهای خیر همیشه اندوخته خوبی برای انجام دهنده اش خواهند بود!

۹۲ ☆ «علينا أن لا نعصى أوامر معلّمنا و لا نهرب من أداء واجباتنا المدرسية!»:

- ۱ ما نباید از دستورات معلم خویش فرار کنیم و از انجام تکالیف درسی مان سرپیچی کنیم!
۲ باید از دستورهای معلم خویش سرپیچی نکنیم و از انجام دادن تکالیف مدرسه خود فرار نکنیم!
۳ ما از دستورات معلم خود سرپیچی نمی کنیم و از انجام تکالیف درسی مان نمی گریزیم!
۴ ما نباید از دستورات معلممان سرپیچی کنیم و از انجام تکالیف درسی مان فرار کنیم!

۹۳ ☆ عَيْنِ الْخَطَا عَنْ الْمَفْهُومِ:

- ۱ عِلْمُ الْكِيمِيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةُ النَّاصِرِ وَ حَوَاصِهَا!
۲ إِذَا تَكَلَّمَ اثْنَانِ بِكَلَامٍ خَفِيَ تَيْبُهُمَا فَهُمَا يَهْمِسَانِ!
۳ الْأَسْحَابُ هُوَ أَنْ تَسْحَبَ شَيْئًا إِلَى الْوَرَاءِ بِسُرْعَةٍ
۴ التَّعَايُشُ هُوَ أَنْ تَعِيشَ الْأَحْيَاءَ بَعْضُهُمْ مَعَ بَعْضٍ!

۹۴ ☆ عَيْنِ الْخَطَا فِي مَفْهُومِ هَذِهِ الْعِبَارَاتِ:

- ۱ النَّاسُ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا ← دشمن دانا بلندت می کند
۲ مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ قَلَّ خَطْوُهُ ← سخندان پرورده پیر کهن
۳ إِنْ صَبَرْتَ حَصَلَتْ عَلَى النَّجَاحِ! ← صبر و ظفر هر دو دوستان قدیمند
۴ مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَحْصُدُ فِي الْآخِرَةِ ← من اگر نیکم اگر بدف تو برو خود را باش
بر زمیبت می زند نادان دوست
بیندیشد آنکه بگوید سخن
بر اثر صبر نوبت ظفر آید
هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

۹۵ ☆ عَيْنِ الْخَطَا عَنْ مَفْهُومِ «الْمُسَاغَبِ»:

- ۱ لَا يَلْتَزِمُ بِالْآدَابِ فَيُضْرَبُ النَّاسُ بِسُلُوكِهِ!
۲ لَا يَجْتَنِبُ أَعْمَالًا فِيهَا إِسَاءَةٌ لِالْآخِرِينَ!
۳ لَا يَلْتَمِسُ إِلَى مَنْ يَتَكَلَّمُ مَعَهُ وَ لَا يَسْتَمِعُ إِلَيْهِ!
۴ لَا يَقْطَعُ كَلَامًا مَنْ يَسْتَفِهُ بِهِ فَيَضْرِبُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهُ!



محمد گنجی



۹۶ ☆ عَيْنٌ «مَنْ» الشرطيّة:

- ۱ مَنْ يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِنشَائِكَ وَيَقْرَأُ. ۲ مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى كَلَامِ الْمَعْلَمِ جَيِّدًا يَرْسُبُ.
- ۳ مَنْ يُعَلِّمُ عِلْمَ الدِّينِ وَيَعْمَلُ بِهِ. ۴ مِنْ أَحَبَّ عِبَادِي اللَّهِ مَنْ نَفَعَ عِبَادَهُ.

۹۷ ☆ عَيْنِ جَوَابِ الشَّرْطِ الَّذِي مَصْدَرُهُ عَلَى وَزْنِ «مُفَاعَلَةٌ»:

- ۱ مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا يَصِلُ إِلَى هَدَفِهِ! ۲ الَّذِي يُحِبُّ التَّجَاحُ يُجَالِسُ الصَّالِحِينَ!
- ۳ إِنْ تَسْمَعُ الدَّرْسَ بِدَقَّةٍ يُسَاعِدُكَ فِي الإِمْتِحَانِ! ۴ مَا تَعَلَّمْ مِنَ الْعُلُومِ وَالْفُنُونِ تَنْتَفِعْ بِهِ!

۹۸ ☆ عَيْنِ الْفِعْلِ الْمَاضِي لَيْسَ مُضَارِعًا فِي الْمَعْنَى:

- ۱ إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ! ۲ إِنْ صَبِرْتَ حَصَلَتْ عَلَى التَّجَاحِ!
- ۳ إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ الْغِيبَةَ وَالتَّجَسُّسَ! ۴ مَا قَعَلْتَ مِنَ الْخَيْرَاتِ وَجَدْتَهَا فِي الْآخِرَةِ!

۹۹ ☆ عَيْنِ الْمَعْرِفِ بِ «عَلِمَ» مُخْتَلَفًا فِي الْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ:

- ۱ يُوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِسْمِ أَلْتِي تَقَعُ فِي مُحَافَظَةِ هَرْمُزْجَانِ! ۲ يُوجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكَشَهَرِ بِمُحَافَظَةِ سِيستانِ بِاسْمِ شَجَرَةٍ مَدَادِ!
- ۳ تُوجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ مِنْهَا فِي مُحَافَظَةِ إِيلَامِ! ۴ الْعِئْبُ الْبِرَازِيلِيُّ شَجَرَةٌ تُخْتَلَفُ عَنِ بَاقِي أَشْجَارِ الْعَالَمِ، تُنْبِتُ فِي الْبِرَازِيلِ!

۱۰۰ ☆ عَيْنِ الْمَعْرِفِ بِ «أَلَّ» مُخْتَلَفًا فِي الْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ:

- ۱ ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُنْبِتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَهِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ! ۲ شَجَرَةُ الْخَيْرِ شَجَرَةٌ اسْتَوَاتِيَّةٌ تَنُمُو فِي جُزُرِ الْمُحِيطِ!
- ۳ شَجَرَةُ الْفُظْ شَجَرَةٌ يَسْتُخْدِمُهَا الْمَزَارِعُونَ كَسِيَّاحٍ ۴ قَبْرُ كُورُشِ يَجْذِبُ سَيَّاحًا مِنْ دَوْلِ الْعَالَمِ!

۱۰۱ ☆ عَيْنِ «الْخَبِرَ» يَخْتَلِفُ عَنِ الْبَاقِي فِي الْمَعْرِفَةِ وَ النُّكْرَةِ:

- ۱ حَدِيقَةُ شَاهَزَادَةِ قُرْبِ كِرْمَانَ جَنَّةٌ فِي الصَّحْرَاءِ! ۲ «عَالِمٌ يُنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ!»
- ۳ سُئِلَ النَّبِيُّ (ص): أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زُرْعُ زُرْعُهُ صَاحِبُهُ! ۴ «أَكْبَرُ الْحُمُقِ الإِعْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَ الدَّمُّ»

۱۰۲ ☆ «قَدَسَجَلَتْ مُنْظَمَةُ اليُونِسْكَو مَسْجِدَ الْعَتِيقِ الَّذِي يَقَعُ فِي مُحَافَظَةِ فَارِسِ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ!»: سَازِمَانَ يُونِسْكَو.....

- ۱ مَسْجِدِي بَاسْتَانِي دَرِ اسْتَانَ فَارِسِ رَا كِه دَرِ فِهْرَسْتِ مِيرَاثِ جِهَانِي قَرَارِ گِرْفْتِه بُوَد، بِه نَبِتِ رِسانْدِه اسْت!
- ۲ مَسْجِدِ عَتِيقِ رَا كِه دَرِ اسْتَانَ فَارِسِ وَاقِعِ شَدِه اسْت، بِه عِنَوَانِ مِيرَاثِي جِهَانِي بِه نَبِتِ رِسانْدِه اسْت!
- ۳ مَسْجِدِ عَتِيقِ رَا كِه دَرِ اسْتَانَ فَارِسِ قَرَارِ دَارِد، دَرِ فِهْرَسْتِ مِيرَاثِ جِهَانِي ثَبِتِ كَرْدِه اسْت!
- ۴ مَسْجِدِ كِهْنَدَايِ رَا كِه دَرِ مُحَافَظَتِ فَارِسِي زَبَانَانَ قَرَارِ دَارِد، دَرِ فِهْرَسْتِ مِيرَاثِ جِهَانِي ثَبِتِ كَرْدِه اسْت!

۱۰۳ ☆ عَيْنِ الصَّحِيحِ:

- ۱ ذَهَبْنَا إِلَى مَلْعَبٍ رِيَاضِيٍّ لِمَشَاهِدَةِ مِبَارَاةٍ: بِرَايِ دِيدِنِ مَسَابِقِه بِه وَرِزْشَاگَاهِ رِفْتِيمِ!
- ۲ كَانِ الْمَلْعَبُ يُمْتَلِئُ بِالْمُنْتَفِعِينَ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ اللَّاعِبُونَ! بِيشِ از آنکه بازیکنان بیایند، ورزشگاه پر از تماشاچیان شده بود!
- ۳ ضَفَرَ الْحَكَمُ فَبَدَأَ مُهَاجِمُو الْفَرِيقَيْنِ بِالهُجُومِ! دَاوَرِ سَوْتِ زِد، پَسِ مِهَاجِمَانِ دُو تِیمِ شَرُوعِ بِه حَمَلِه كَرْدِنْدَا!
- ۴ وَ آخِرًا سَجَلِ كِلَا الْفَرِيقَيْنِ هَدَقَيْنِ وَ تَعَادَلَا! وَ سِرَانْجَامِ دُو تِیمِ كَلَّا دُو گِلِ بِه نَبِتِ رِسانْدِنْدِ وَ بَا هِمِ بَرَابَرِ شَدِنْدَا!

۱۰۴ ☆ عَيْنِ الْخَطَا عَنْ مَفْهُومِ «تَجْبِيلِ الْمَعْلَمِ»:

- ۱ أَنْ تَسْمِعَ إِلَيْهِ نَفَقَهَا وَ تَسْأَلَهُ تَنْتَنَا! ۲ أَنْ تَجْتَنِبَ كَلَامًا فِيهِ إِسَاءَةٌ لَهُ وَ لَا تَعْصِي أَمْرَهُ!
- ۳ أَنْ لَا تَسْبِقَهُ بِالْكَلامِ وَ تُصْبِرَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهُ! ۴ أَنْ تَقُومَ عَنِ مَجْلِسِكَ لَهُ وَ تَلْتَرِمَ فِي مُحَضَّرِهِ بِالسَّكِينَةِ!

۱۰۵ ☆ عَيْنِ الْخَطَا لِلتَّوَاصُلِ بَيْنَ الْعَمُودَيْنِ:

۱) التَّفَاتِ الْإِنْسَانِ إِلَى أَحْدٍ لِأَدَاءِ الْإِحْتِرَامِ
 ۲) مِنْهَا: الطَّوْلُ وَ الْقَطْرُ وَ الْأَرْتِفَاعُ وَ الْحَجْمُ
 ۳) صِفَاتٌ أَحَدٌ أَوْ شَيْءٍ لِلتَّعَرُّفِ عَلَيْهِ
 ۴) الدُّورَانُ وَ النَّجْمُ حَوْلَ شَيْءٍ

الف) الإلتِفافُ
 ب) المُواصَفَاتُ

۱ ← ب ← ۴

۲ ← ب ← ۳

۱ ← ب ← ۲

۱ ← الف ← ۱

۱۰۶ ☆ عین جمله لیست شرطیّه:

- ۱) مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ!
۲) مَنْ يَذْهَبْ إِلَى الْمَكْتَبَةِ وَيَقْرَأِ الدَّرْسَ!
۳) مَنْ فَكَّرَ قَبْلَ الْكَلَامِ قَلَّ خَطُؤُهُ!
۴) مَنْ لَا يَسْتَمِعْ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْسِبْ فِي الإِمْتِحَانِ!

۱۰۷ ☆ عین معرفه فی محلّ المفعول:

- ۱) أَحِبُّ أَنْ أُكْتَبَ إِِنْشَاءً تَحْتَ عِنْوَانِ «التَّجَاح»!
۲) «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»
۳) أَلْفَ عَدَدٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُتِبَ فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَالتَّعْلِيمِ!
۴) مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ!

۱۰۸ ☆ عین العبارة التي يوصف فيها الفاعل:

- ۱) الْكِتَابُ صَدِيقٌ يُفَدِّكُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ!
۲) سَافَرْتُ إِلَى قَرْيَةٍ شَاهَدْتُ صَوْرَتَهَا أَيَّامَ صِغَرِي!
۳) وَجَدْتُ بَرْنَامَجًا يُسَاعِدُنِي عَلَى تَعَلُّمِ الْعَرَبِيَّةِ!
۴) يُعْجِبُنِي عَيْدٌ يُفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ!

۱۰۹ ☆ عین العبارة التي يوصف فيها المفعول:

- ۱) أَرْسَلْنَا إِلَى فِرْعَوْنَ رَسُولًا...
۲) وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ...
۳) شَاهَدْتُ شَجَرَةً اِسْتَوَائِيَّةً تَنْمُو فِي جُزُرِ الْمَحِيطِ الْهَادِي!
۴) أَفْتَشُّ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ!

۱۱۰ ☆ عین العبارة التي يوصف فيها المبتدأ:

- ۱) عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ!
۲) إِِرْضَاءُ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ!
۳) الْأَعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ!
۴) الْكِتَابُ صَدِيقٌ يُفَدِّكُكَ مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ!

۱۱۱ ☆ عین العبارة التي يوصف فيها الخبر:

- ۱) الْعَالِمُ حَيٌّ وَإِنْ كَانَ مَيِّتًا!
۲) الذَّهْرُ يَوْمَانِ: يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ!
۳) الشَّجَرَةُ الْخَائِفَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْعَابَاتِ الْإِسْتَوَائِيَّةِ!
۴) شَجَرَةُ الْبَلُوطِ شَجَرَةٌ وَقَدْ تَبَلَّغَ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ!

۱۱۲ ☆ عین العبارة التي لا يوجد فيها معادل للمضارع الإلتزامي في الفارسيّة:

- ۱) يُعْجِبُنِي عَيْدٌ يُفْرَحُ فِيهِ الْفُقَرَاءُ!
۲) أَفْتَشُّ عَنْ مُعْجَمٍ يُسَاعِدُنِي فِي فَهْمِ النُّصُوصِ!
۳) «فَاضْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا...»
۴) «لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»

۱۱۳ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم:

عین الخطأ في الترجمة:

- ۱) لَا أُحَدِّثُ أَبَدًا بِمَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ: ابدأ در مورد آنچه نمی دانم، بحث نمی کنم!
۲) رَبُّ كَلَامٍ قُدْرَتُهُ أَكْثَرُ مِنَ السَّلَاحِ: چه بسا کلامی که نیرویش بیش تر از سلاح است!
۳) طَوْبِي لِطَالِبٍ يَقِفُو مَا يَقُولُ مُعَلِّمُهُ! خَوْشَا بِهِ حَالِ دَانِشْ أَمُوزِي كِه اَز آن چه معلّمش می گوید، پیروی می کنم!
۴) تَعَلَّمْتُ أَنْ لَا أُتَدَخَّلُ فِي مَوْضِعَاتٍ غَيْرِ مُهِمَّةٍ! آموختم که در موضوعاتی بی اهمیت دخالت نکنم!

۱۱۴ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة:

عین الخطأ عن آداب التکلم:

- ۱) أَنْ يَقْفُو الْإِنْسَانُ فِي كَلَامِهِ مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ!
۲) عَدَمُ التَّدَخُّلِ فِي مَوْضِعٍ يُعْرِضُ الْإِنْسَانَ لِلتُّهْمِ!
۳) إِجْتِنَابُ مَجَادَلَةِ الْمُخَاطَبِينَ فِي الْكَلَامِ لِلتَّعَنُّتِ!
۴) أَنْ لَا تُدْكَرَ فِي الْكَلَامِ أَقْوَالٌ فِيهَا اِحْتِمَالُ الْكِذْبِ!

۱۱۵ ☆ عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة:

عین الخطأ في المفهوم:

- ۱) خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلٌّ: کم گوی و گزیده گوی چون در.
۲) نَجَاةُ الْمُؤْمِنِ فِي حِفْظِ اللِّسَانِ! زبان سر سبز می دهد بر باد.
۳) «لَمْ يَقُولُوا مَا لَا تَقُولُونَ» دو صد گفته چون نیم کردار نیست.
۴) إِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ! آن چه به زبان آمد، به زبان آمد.

۱۱۶ ☆ عین جواب الشرط مضارعاً:

- ۱) مَنْ عَلَّمَ عِلْمًا، فَلَهُ أَجْرٌ مَنْ عَمِلَ بِهِ، لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ الْعَامِلِ!
۲) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يُعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ!
۳) وَ مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ!
۴) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ!

١١٧ ☆ عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

١ في أَيِّ عِبَارَةٍ مَا جَاءَ اسْمُ التَّفْضِيلِ؟

٢ شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَتَّقِدُ الْأَمَانَةَ!

٣ خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ!

٢ فِدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ!

٤ أَكْرَمُ الْمَدِيرِ التَّلْمِيزُ الْمُنَاقَشِيُّ فِي الْمَرَاسِمِ!

١١٨ ☆ عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

عَيِّنِ «جَمْعاً مَكْسُوراً» لَيْسَ فَاعِلاً:

١ إِذَا مَلَكَ الْأُرَادَلُ هَلَكَ الْأَفْضَالُ!

٢ أَلْفُ الْعُلَمَاءِ رِسَالَاتٌ فِي مَجَالِ التَّعْلِيمِ وَ التَّرْبِيَةِ!

٢ أَلْفُ الْعُلَمَاءِ رِسَالَاتٌ فِي مَجَالِ التَّعْلِيمِ وَ التَّرْبِيَةِ!

٤ تَبَدُّ الْأَسْعَارِ مِنْ خَمْسَةِ وَ سَبْعِينَ أَلْفِ تَوْمانَ!

١١٩ ☆ عَيِّنِ الْمُنَاسِبَ لِلجَوَابِ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

عَيِّنِ «مَنْ» لَيْسَتْ مِنْ أَدْوَاتِ الشَّرْطِ:

١ مَنْ جَرَّبَ الْمُجْرِبَ حَلَّتْ بِهِ التَّدَامَةُ!

٢ مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ!

٢ مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ!

٤ مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ!

١٢٠ ☆ عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ:

«تَبَادُلُ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ»

١ تَبَادُلُ: فَعْلٌ - لَا يَحْتَاجُ إِلَى الْمَفْعُولِ - لَهُ حَرْفُ زَائِدٍ

٢ اللُّغَاتِ: اسْمٌ - جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمَوْثِقِ - مَعْرِفَةٌ (أَلْ) / مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ

٢ اللُّغَاتِ: اسْمٌ - جَمْعُ سَالِمٍ لِلْمَوْثِقِ - مَعْرِفَةٌ (أَلْ) / مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ

٤ أَمْرٌ: اسْمٌ - مَذْكَرٌ - نَكْرَةٌ / خَيْرٌ

١٢١ ☆ عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ:

«تَأْتِيرُ اللُّغَةُ الْفَارْسِيَّةُ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْتِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ»

١ تَأْتِيرٌ: اسْمٌ - مَفْرَدٌ مَذْكَرٌ - مَصْدَرٌ عَلَى وَزْنِ تَفْعِيلٍ / فَاعِلٌ

٢ اللُّغَةُ: اسْمٌ - مَفْرَدٌ مَوْثِقٌ - مَعْرِفَةٌ (عِلْمٌ) / الْأَوَّلَى: مِضَافٌ إِلَيْهِ - الثَّانِيَةُ: مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ

٣ أَكْثَرُ: اسْمٌ - مَفْرَدٌ مَذْكَرٌ - اسْمٌ تَفْضِيلٌ / خَيْرٌ

٤ الْإِسْلَامُ: اسْمٌ - مَفْرَدٌ - مَصْدَرٌ عَلَى وَزْنِ إِفْعَالٍ / الْأَوَّلَى وَ الثَّانِيَةُ: مَجْرُورٌ بِحَرْفِ الْجَرِّ

١٢٢ ☆ عَيِّنِ حَرْفَ «ل» تَخْتَلِفُ مِنْ حَيْثُ الْمَفْهُومِ:

١ لِيَعْتَمِدَ الطُّلَّابُ عَلَى أَنْفُسِهِمْ فِي الْمَجَالَاتِ الْمُخْتَلِفَةِ

٢ نَحْنُ نَتَنَاوَلُ الزَّمَانَ لِتَكْوِينِ الْكِرِيَاتِ الْحَمْرَاءِ.

٣ التَّلْمِيزُ الْكِسْلَانُ لِيُنَبِّهَ مِنْ نَوْمِ الْغَفْلَةِ.

٤ الْكُذْبُ عَمَلٌ قَبِيحٌ، لِتَنْجِيهِهِ.

١٢٣ ☆ عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَنِ نَوْعِيَةِ الْكَلِمَاتِ:

«عَاهَدَ الطُّلَّابُ أَسْتَاذَهُمْ وَ قَالُوا: تَعَلَّمْنَا دَرْساً لَنْ نَنْسَاهُ أَبَداً»

١ عَاهَدَ: فَعْلٌ مَاضٍ - لَهُ حَرْفُ زَائِدٍ وَ مَصْدَرُهُ مَعَاهِدَةٌ - يَحْتَاجُ إِلَى الْمَفْعُولِ

٢ الطُّلَّابُ: اسْمٌ - جَمْعٌ مَكْسُورٌ أَوْ تَكْسِيرٌ - اسْمٌ مِبَالِغَةٌ / فَاعِلٌ

٣ تَعَلَّمْنَا: فَعْلٌ مُضَارِعٌ - لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ (أَوَّلُ شَخْصٍ جَمْعٍ) مَصْدَرُهُ تَعَلَّمَ

٤ لَنْ نَنْسَاهُ: فَعْلٌ مُضَارِعٌ - لِلْمَتَكَلِّمِ مَعَ الْغَيْرِ (أَوَّلُ شَخْصٍ جَمْعٍ) وَ ضَمِيرٌ «ه» مِضَافٌ إِلَيْهِ وَ جُمْلَةٌ وَصْفِيَّةٌ

١٢٤ ☆ عَيِّنِ الْخَطَأَ فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

١ عَالِمٌ يُنْتَفَعُ بِعِلْمِهِ، خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ عَابِدٍ: خَيْرٌ

٢ «... مَثَلُ نَوْرِهِ كَمِشْكَاهِ فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ فِي رُجَاخَةٍ...»: مَبْتَدَأٌ مُؤَخَّرٌ

٣ يُعْجِبُنِي جِدًّا حَارَسٌ مَرَمَى فَرِيقِ السَّعَادَةِ: فَاعِلٌ

٤ أَمَارٌ فَصْلِ الصَّيْفِ اللَّذِيذَةِ تَشْمُو فِي أَكْثَرِ مَنَاطِقِ إِيرانَ: صِفَتٌ

١٢٥ ☆ عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي الْمَحَلِّ الْأِعْرَابِيِّ:

١ لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ، بَلْ لَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ: مِضَافٌ إِلَيْهِ

٢ «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ»: فَاعِلٌ

٣ «لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَقُولُونَ»: مَبْتَدَأٌ

٤ خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ: مِضَافٌ إِلَيْهِ

☆ ۱۲۶ عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

- ۱ «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ...» مفعول - خبر
 ۲ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ كَذَبَ كَذَّبًا» مفعول - فاعل
 ۳ اخْتَبَرُوهُمْ عِنْدَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ: مفعول - مضاف إليه
 ۴ «...أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ...» مجرور بحرف الجر - فاعل

☆ ۱۲۷ عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

- ۱ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»: خبر
 ۲ بَعَثَ النَّبِيُّ (ص) لِيَهْدِيَ النَّاسَ: مفعول
 ۳ تَعُدُّ الدُّكْتُورَةَ «أَنَّهُ مَارِي شَيْمِل» مِنْ أَشْهُرِ الْمَسْتَشْرِقِينَ: فاعل
 ۴ الْإِنْسَانُ بِكُلِّ لِسَانٍ إِنْسَانٌ: خبر

☆ ۱۲۸ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

- ۱ لَا تَوْجِدُ سَيَّارَةً تَنْقُلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ: فاعل
 ۲ نَحْنُ الْآنَ فِي الطَّرِيقِ بَعِيدُونَ عَنِ الْجَامِعَةِ: مبتدأ
 ۳ وَهَذِهِ قِصَّةٌ قَصِيرَةٌ تُبَيِّنُ لَكَ نَتِيجَةَ الْكُذْبِ: خبر
 ۴ قَالَ الطُّلَّابُ: أَحَدُ إِطَارَاتِ سَيَّارَتِنَا انْفَجَرَ: خبر

☆ ۱۲۹ عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي يَخْتَلِفُ فِيهَا مَعْنَى الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ:

- ۱ «... أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَةً»
 ۲ أَنْتَ تَصِيرُ قَدْوَةً لِرَمِيلَانِكَ فِي الْأَخْلَاقِ وَالذَّرْسِ.
 ۳ أَصْبَحْنَا مَتَوَكِّلِينَ عَلَى اللَّهِ وَمُعْتَمِدِينَ عَلَى قُدْرَتِنَا.
 ۴ الْأَهْمَاتُ كُنَّ مَنظَرَاتٍ لِيَصُلَّ أَوْلَادَهُنَّ إِلَى الْبَيْتِ.

☆ ۱۳۰ عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

- ۱ الْمَفْرَدَاتُ الْفَارْسِيَّةُ دَخَلَتْ اللَّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ: مفعول
 ۲ لِلْفِرْوَزِ أَيْدَى مُعْجَمٍ مَشْهُورٍ بِاسْمِ الْقَامُوسِ: خبر
 ۳ نَطَقَهَا الْعَرَبُ وَفَقَّأَ لِأَلْسِنَتِهِمْ: فاعل
 ۴ وَاشْتَقُّوا مِنْهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى: صفت

☆ ۱۳۱ عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي فِيهَا الْجَمْعُ مِنْ أَنْوَاعِ الثَّلَاثَةِ:

- ۱ الْكَلِمَاتُ الْفَارْسِيَّةُ الَّتِي دَخَلَتْ اللَّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ فَقَدْ تَغَيَّرَتْ أَصْوَاتُهَا وَأَوْرَاقُهَا
 ۲ إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَالْبِهَائِمِ.
 ۳ «لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلنَّاسِ الْغَافِلِينَ»
 ۴ «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا»

☆ ۱۳۲ عَيْنُ الْخَطَا فِي الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ:

- ۱ «تَوَشَّى هَيْكُو إِيْرَتَسُو» أَوَّلُ مَنْ تَرَجَّمَ الْقُرْآنَ إِلَى اللَّغَةِ الْيَابَانِيَّةِ: مضاف إليه
 ۲ «...فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ...»: مضاف إليه
 ۳ «وَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ...»: مفعول
 ۴ «...عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»: خبر مقدم

☆ ۱۳۳ عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي اسْمُ الْفَاعِلِ فِيهَا فَاعِلٌ وَاسْمُ الْمَفْعُولِ فِيهَا مَفْعُولٌ:

- ۱ يُقَدِّرُ الْعُلَمَاءُ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةَ فِي بَحَارِ الْعَالَمِ بِالْمَلَايِينِ!
 ۲ يُنْفِرُ الطَّائِرُ جُدُوعَ الْأَشْجَارِ وَ يَضَعُ عُنُقًا فِيهَا!
 ۳ قَدَّ أَلَفَ الْمُؤَلِّفِ التُّونِجِيَّ مُعْجَمًا فِي اللَّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ!
 ۴ بُعِجْبُنِي حَارَسٌ مَرَمِي فَرِيقِ السُّعَادَةِ!

☆ ۱۳۴ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ: «يَجِبُ أَنْ يَكُونَ الْحَوَارُ بِهَدَفِ الْوَصُولِ إِلَى الْحَقِيقَةِ وَ لَيْسَ الْاِتِّصَارُ لِلنَّفْسِ وَ اثْبَاتُ أَنْ رَأَى هُوَ الصَّحِيحُ.»

- ۱ واجب است که گفت و گو با هدف رسیدن به حقیقتی باشد که پیروزی نفس و اثبات این نظریه که من بر حقم در آن نباشد!
 ۲ واجب است که گفت و گوها با هدف دست یابی به حقیقت باشد نه پیروزی نفس و اثبات این که نظر من بهتر است!
 ۳ گفت و گو باید با هدف دست یابی به حقیقت باشد نه پیروزی برای خود و اثبات این که دیدگاه من درست است!
 ۴ هدف گفت و گو باید رسیدن به حقیقتی باشد که پیروزی خود و اثبات این که دیدگاه من درست است، در آن نباشد!

☆ ۱۳۵ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ: «لِبَعْضِ الْأَشْجَارِ رَائِحَةٌ كَرِيهَةٌ وَ الْحَيَوَانَاتُ لَا تَقْرُبُ مِنْهَا وَ تَهْرَبُ مِنْهَا!»

- ۱ برخی درختان بوی ناپسندی دارند و حیوانات به آن‌ها نزدیک نمی‌شوند و از آن‌ها فرار می‌کنند!
 ۲ برای بعضی از درختان بوی ناپسند هست و حیوانات از آن‌ها دور می‌شوند و از آن‌ها می‌گریزند!
 ۳ بعضی از درختان بوی ناپسند دارند به طوری که حیوانات به آن نزدیک نمی‌شوند و از آن می‌ترسند!
 ۴ برای برخی درختان بویی ناپسند هست که حیوانات از آن‌ها دور می‌شوند و از آن‌ها می‌هراسند!

☆ ۱۳۶ ما هو الصَّحِيحُ لِلْفَرَاغِ؟ «لَكِنَّ الْحَكَمَ الْهَدَفُ؛ لِمَاذَا؟ رَبِّمَا سَبَبٌ تَسَلَّلُ!»

- ۱ قَبِلَ ۲ قَبِلْتَ ۳ مَا قَبِلَ ۴ يَقْبَلُ

☆ ۱۳۷ عَيْنُ الْخَطَا عَنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَضَادَّةِ وَ الْمُتَرَادِفَةِ:

- ۱ التَّبَجِيلُ ≠ التَّحْقِيرُ / أَطِيبُ = أَحْسَنُ
 ۲ ذَنَّا ≠ بَعُدَ / مُزَارَعٌ = فَالَحٌ
 ۳ الْخَطَا ≠ النُّوَابُ / تَابٌ = اسْتَغْفَرُ
 ۴ بَعْضٌ ≠ يُطِيعُ / جَادَلٌ = نَارَعَ

۱۳۸ ☆ عَيْنُ الْعِبَارَةِ الْفَارِسِيَّةِ الْمُخَالَفَةُ لِلْعِبَارَةِ الْعَرَبِيَّةِ: «أَكَلْتُمْ تَمْرِي وَغَصَبْتُمْ أَمْرِي»

- ۱ نمکدان شکستی نمک ریختی / چنین فتنه از کینه انگیزتی
 ۲ نمک حرامی آن شوخ چشم بی مزه بین / که بشکند به نمک خوراکی نمکدان را
 ۳ حق نمک چگونه فراموش می شود / داغ مرا به خنده نمک پوش کرده ای
 ۴ رسانید قدر شما بر فلک / فراموش کردید حق نمک

۱۳۹ ☆ مَيِّزُ الْخَطَا حَسَبَ الْفِعْلِ الْمَاضِي:

- ۱ تَكَلَّمَ مَضْرَعٌ يَتَكَلَّمُ مَصْدَرٌ تَكَلَّمَ تَكَلَّمَ مَضْرَعٌ يَتَكَلَّمُ مَضْرَعٌ تَشْتَرُونَ مَضْرَعٌ يَتَشَرُونَ مَصْدَرٌ اِنْتَشَرُوا مَصْدَرٌ اِنْتَشَارٌ
 ۲ اِنْتَشَرْتُمْ مَضْرَعٌ تَشْتَرُونَ مَضْرَعٌ يَتَشَرُونَ مَضْرَعٌ اِنْتَشَرُوا مَصْدَرٌ اِنْتَشَارٌ
 ۳ تَجَادَلْتُمْ مَضْرَعٌ تَجَادِلِينَ مَضْرَعٌ يَتَجَادَلُونَ مَضْرَعٌ تَجَادَلْتُمْ مَضْرَعٌ يَتَجَادَلُونَ مَصْدَرٌ تَجَادَلٌ
 ۴ بَشَّرْتُمَا مَضْرَعٌ يَبْشُرَانِ مَضْرَعٌ يَبْشُرَانِ مَصْدَرٌ بَشَّرَا مَصْدَرٌ تَبَشِيرٌ

۱۴۰ ☆ عَيْنُ التَّرْجَمَةِ لَا يُوْجَدُ فِيهَا خَطَا:

- ۱ ذَلِكَ مَتَجَرِّ زَمِيلِي، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ . آن مغازه همکارم است، او شلوارهای خوبی دارد!
 ۲ كَانَ وَلَدِي يُرِيدُ أَرْخَصَ مِنْ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِي . فرزندم ارزان تر از این پیراهن مردانه می خواهد!
 ۳ عَلَيْكَ أَنْ تُحَسِّنَ أَخْلَاقَكَ الْعَجِيبَةَ كَمَا حَسَّنْتَهَا . تو باید اخلاق عجیبی را نیکو کنی همانطور که من آن را نیکو کردم!
 ۴ جَاءَ زَمِيلِي الصَّادِقُ بِعُيُوبِي حَتَّى يُهْدِيَهَا لِي . هم شاگردی صادق آمد تا عیبهای مرا به من هدیه کند!

۱۴۱ ☆ عَيْنُ الْخَطَا فِي التَّرْجَمَةِ :

- ۱ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ : محبوب ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترین آن ها برای بندگانش است.
 ۲ (وَمَا تَقْدَمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ) : هر چه از نیکی برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خداوند می یابید.
 ۳ اتَّعَنْتُ طَرْحَ سُؤَالٍ صَعِبٍ يَهْدَفُ إِجَادَةَ مَشَقَّةٍ لِلْمَسْئُولِ : مع گیری طرح یک سؤال مشکل با هدف به سختی انداختن مورد سؤال است.
 ۴ فَمَنْ عَنِ مَجْلِسِكَ لِأَيِّكَ وَمَعْلَمِكَ أَوْ إِنْ كُنْتَ أَمِيرًا : از جای خود برای پدرت و معلمت بلند شو اگر چه فرمانده باشی.

۱۴۲ ☆ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ :

- ۱ «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ» . بزرگتر از عیب آن چیزی است که آنچه را که همانند آن درون توست عیب بدانی.
 ۲ وَالْعَيْبَةُ، وَهِيَ مِنْ أَمِّهِمْ سَبَابُ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ : غیبت از مهم ترین دلایل قطع دوستی میان مردم است.
 ۳ وَفِي الْحِصَّةِ الثَّلَاثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلَهُ وَ يَضْحَكُ : در زنگ سوم با یک همکلاسی حرف می زد و می خندید.
 ۴ أَعْلَمْتُ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَّ مِنَ الْمُعَلِّمِ : آیا شریف تر یا بزرگوارتر از معلم شناخته ای؟

۱۴۳ ☆ عَيْنُ الْأَنْسَبِ فِي مَفْهَمِ الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ : (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِمَّنِ الظَّنِّ)

- ۱ من از صبا و چمن بد گمان نمی گشتم / زمانه در دلم افکند بد گمانی را
 ۲ بدگمانی در حق مرد خدا / موجب بُد از خدا گردد تو را
 ۳ ز شیطان بدگمان بودن نوید نیک فرجامی است / چو خون در هر رگی باید دواند این بدگمانی را
 ۴ چنین باشد انجام کردار بد / بداندیش را بی گمان ، بد رسد

۱۴۴ ☆ عَيْنُ الْخَيْرِ لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- ۱ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ! أحبُّ عباد الله إلى الله أنفعهم لعباده!
 ۲ تَفَكَّرْتُ سَاعَةً خَيْرًا مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً! تفكرت ساعة خير من عبادة سبعين سنة!
 ۳ فِي مَتَجَرِّ زَمِيلِي سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ وَ لَهَا أَسْعَارٌ أَرْخَصُ! في متجر زميلي سراويل افضل ولها اسعار ارخص!
 ۴ مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ! من غلبت شهوته عقله فهو شر من البهائم!

۱۴۵ ☆ مَيِّزُ الْخَطَا فِي اسْمِ التَّفْضِيلِ:

- ۱ أَنْتَنَ يَا تَلْمِيذَاتِي أَحْسَنُ مَنْ رَأَيْتُ حَتَّى الْآنَ! أنتن يا تلميذاتي احسن من رأيت حتى الآن!
 ۲ نَحْنُ فَضَّلِي بَيْنَ تَلْمِيذَاتِ هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ! نحن فضلي بين تلميذات هذه المدرسة!
 ۳ أَخْتِي الْعَمْرِيَّةُ زَيْنَبُ هِيَ أَكْبَرُ مَنِي سَنًا! اختي العمريزة زينب هي أكبر مني سنًا!
 ۴ أَنْتُمْ يَا أَصْدِقَائِي أَفْضَلُونَ فِي الدِّرَاسَةِ! انتم يا اصدقائي افضلون في الدراسة!

۱۴۶ ☆ عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجَمَةِ:

- ۱ «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ» . بزرگتر از عیب آن چیزی است که آنچه را که همانند آن درون توست عیب بدانی.
 ۲ وَالْعَيْبَةُ، وَهِيَ مِنْ أَمِّهِمْ سَبَابُ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ . غیبت از مهم ترین دلایل قطع دوستی میان مردم است.
 ۳ وَفِي الْحِصَّةِ الثَّلَاثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلَهُ وَ يَضْحَكُ؛ در زنگ سوم با یک همکلاسی حرف می زد و می خندید.
 ۴ أَعْلَمْتُ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَّ مِنَ الْمُعَلِّمِ: آیا شریف تر یا بزرگوارتر از معلم شناخته ای؟



☆ ۱۴۷ مَنْ يَتَأَمَّلْ قَبْلَ الْكَلَامِ يَسْلَمْ مِنَ الْخَطَا! عَيْنِ الْمُنَاسِبِ لِلْمَفْهُومِ:

۱. لَمْ يَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ.

بیندیشد آنکه بگوید سخن!

۲. سخندان پرورده پیر کهن

۳. إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ!

گهر نشکنی تیشه آهسته دار!

۴. سخن تا نرسند لب بسته دار

☆ ۱۴۸ عَيْنٌ فَعَالًا لَا يَقْبَلُ الْمَفْعُولَ:

۱. اَكْتَبُوا

۲. اسْتَحْدَمَ

۳. عَرَفَ

۴. انْفَتَحَ

☆ ۱۴۹ عَيْنِ الْخَطَا فِي الْمَفْهُومِ: «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرْحِ.»

۱. فِي النَّائِي السَّلَامَةِ وَ فِي الْعَجَلَةِ التَّدَامَةِ.

۲. مِنْ تَبِعِ الصَّبْرَ تَبِعَهُ النَّصْرُ.

۳. رَاسِتْ كَفْتِي كِه فَرْجِ يَابِي اَكْر صَبْرِ كَنِي.

۴. إِنَّ الصَّبْرَ يَأْتِي عَلَى قَدْرِ الْمَصِيبَةِ.

☆ ۱۵۰ عَيْنِ الْأَصْحَحِ وَ الْأَدَقِّ فِي الْجَوَابِ لِلتَّرْجُمَةِ أَوْ الْمَفْهُومِ:

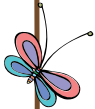
«يَعُدُّ أَشْهُرَ الْمُسْتَشْرِقِينَ الدُّكْتُورَةَ شَيْمَلِ مِنَ الْمُعْجَبِينَ بِالْحَضَارَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَ الثَّقَافَةِ الْإِيرَانِيَّةِ!»:

۱. مشهورترین خاورشناسان، دکتر شیمل را از شیفتگان تمدن اسلامی و فرهنگ ایرانی می‌شمارند!

۲. دکتر شیمل، مشهورترین شرق‌شناسان را از دل‌باختگان فرهنگ اسلامی و تمدن ایرانی می‌شمارد!

۳. پراوازه‌ترین خاورشناسان خانم دکتر شیمل، از شیفتگان تمدن اسلامی و فرهنگ ایرانی بشمار می‌رود!

۴. خانم دکتر شیمل، دل‌باختگان فرهنگ اسلامی و تمدن ایرانی را از پراوازه‌ترین شرق‌شناسان به‌شمار می‌آورد!



پاسخنامه تشریحی

- ۱ ☆ گزینه ۱ در این گزینه «ما» اسم شرط باعث تغییر حرکت حرف آخر دو فعل است که دو فعل (تعلم و تحصد) به ترتیب فعل شرط و جواب شرط هستند. در گزینه‌های دیگر، در گزینه‌ی ۲ نافیهِ در گزینه‌ی ۳ استفهامیه و در گزینه‌ی ۴ نافیهِ است.
- ۲ ☆ گزینه ۴ مفهوم دقیق عبارت صورت سؤال این است که «گویا راضی کردن همه‌ی مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود، و این معنی، تنها با مفهوم گزینه‌ی چهارم، مطابقت دارد.
- ۳ ☆ گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه‌ی ۲: کاناوا اول آمده است باید به صورت مفرد می‌آمد (کان).
گزینه‌ی ۳: کان بعد از المسلمون آمده است پس باید مطابقت کند و به صورت کاناوا بیاید و نیز "علم" مفرد آمده که غلط است.
گزینه‌ی ۴: نقاط جمع است و باید به صورت مفرد می‌آمد و "باحثین" خبر است و باید "باحثون" باشد.
- ۴ ☆ گزینه ۳ (سبیل الانسان إلی ...): سَبِیْلٌ = خواهد رسید / إلی غایته = به هدف خود / اللّٰتی لا تتغیّر = که تغییر نمی‌کند، تغییر ناپذیر است / فی العالم = در جهان
- ۵ ☆ گزینه ۱ رد سایر گزینه‌ها:
۲ «لانتکاشل» فعل، غائبه، مفرد مونث غائب است و لها در اعمالها مؤید آن است و «الممرضة» فاعل آن است. «پرستار ماهر در کارهایش تنبلی نمی‌کند.»
۳ «شاهد» غائب است و ترجمه درست عبارت چنین است: «دانش آموزان پیروزمندانه نمراتشان را در کلاس مشاهده کردند.»
۴ «صادق» با توجه به کسره عین الفعل «د» امر مخاطب است و ترجمه درست عبارت چنین است: «دوستی و همنشینی کن با کسی که دلسوزی می‌کند برای تو در حالی که تو در غفلت هستی.»
- ۶ ☆ گزینه ۴ زیرا ترجمه‌ی عبارت چنین است: "سرزنش کن برادرت را با نیکی کردن به او"
- ۷ ☆ گزینه ۴ زیرا در این گزینه «لا» برای نفی مضارع است، در گزینه «ا» لا = نهی است، در گزینه ۲: نیز «لا» نهی است و در گزینه ۳: «لا» بر سر «اسم» آمده است.
- ۸ ☆ گزینه ۲ ترجمه عبارت: «هرکس قبل از سخن گفتن فکر کند از اشتباه سالم می‌ماند»
- ترجمه گزینه‌های ۱ و ۳
گزینه ۱: چرا آنچه را انجام نمی‌دهید، می‌گویید!
گزینه ۳: هرگاه عقل کامل شود، سخن کم می‌شود!
نکته گزینه ۲: مصرع دوم این بیت به فکر کردن قبل از سخن گفتن اشاره دارد.
- ۹ ☆ گزینه ۱ رد گزینه‌های دیگر:
دهانشان: قَمُومٌ؛ بنابراین لساناً (زبانی) لسانُهم (زبانشان) در گزینه‌های ۲ و ۳ نادرست است.
لیس لهم فکر مفتوح "نیست برای آن‌ها فکری باز" در گزینه ۴ نادرست است.
- ۱۰ ☆ گزینه ۳ (الأرجع: برای که برگردم، (رد گزینه‌های ۱ و ۴) // أتعبتُ: به زحمت انداختم، (رد گزینه‌های ۲ و ۴)
۱۱ ☆ گزینه ۳ «أخرَجنی: مرا خارج کرد، (رد گزینه‌های ۱ و ۴) «ظلمة: تاریکی، (رد گزینه ۲)
۱۲ ☆ گزینه ۲ «ای فرزندان عزیز ایران، یا ابناءَ ایران الأعزّاء، یا بناتَ ایران العزیزات» (رد گزینه‌های ۱ و ۴) // «اجازه ندهید: لا تسمحوا، لا تسمحن، (رد گزینه‌های ۳)
۱۳ ☆ گزینه ۴ «إن...ل...؛ یقیناً، مسلماً» «آیات: نشانه‌هایی / «قوم: گروهی / «یقولون: می‌اندیشند، یقولون: جمله‌ی وصفیه است.
۱۴ ☆ گزینه ۲ «قد کان: بوده است / «هذا الأسبوع»: در این هفته، این هفته / «لم أخرج»: خارج نشده‌ام / «الیومین الماضیین»: دو روز گذشته
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه‌ی ۱: «کسی که به بینوایان کمک می‌کند و به آنان یاری می‌رساند ثوابش نزد خدا در بهشت است»
گزینه‌ی ۳: «تا کنون از دوستم آزاری به من یا به کسی جز من نرسیده است و من از او راضی هستم»
گزینه‌ی ۴: «زن مسلمان به خانواده‌اش و دوستانش دروغ نمی‌گوید زیرا او نیکو کردار و نیرومند است»
- ۱۵ ☆ گزینه ۱ ترجمه‌ی عبارت صورت سؤال: «روزگار دو روز است: روزی برای تو (به نفع و مراد تو) و روزی ضد تو (برخلاف خواسته‌ی تو)»، این عبارت به ناپایدار بودن روزگار و گردش ایام اشاره می‌کند درحالی که بیت گزینه‌ی ۱ می‌گوید: «روزگار از کسی که در غم ایام دلتنگی می‌کند شرم دارد و آن را مایه‌ی ننگ می‌داند.» در سایر گزینه‌ها مفهوم عبارت صورت سؤال دریافت می‌گردد.
- ۱۶ ☆ گزینه ۱ «إذا، وقتی، اگر، هرگاه / «جاءکم» نزدتان آمد، پیشتان آمد / «دائماً» مدام، پیوسته / «طلب منکم نقودا» پولی را از شما خواست / «لا تدفعوها الیه» آن را به او پرداخت نکنید / «علّموه» به او بیاموزید، به او آموزش دهید / «طریق تحصیلها» راه بدست آوردن آن را
- ۱۷ ☆ گزینه ۴ «أقدر منک علی: توانا ترم از تو بر...»
۱۸ ☆ گزینه ۴ «انتظر» جمله وصفیه و محلاً مرفوع است. / «طوبیله» نیز نعت (صفت) مفرد است.
ترجمه: لحظه دیدار مادر بزرگم لحظه‌ای است که از مدتی طولانی منتظرش هستم.
بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه‌ی ۱: «الدّهیه» / «المرفعه»: صفت / مفرد. ترجمه: اشعه طلایی خورشید از پشت کوه‌های بلند ظاهر شد!
گزینه‌ی ۲: «المّره» صفت / مفرد. ترجمه: من به رضای خدا راضی هستم به هنگام رویاری با حوادث تلخ روزگار!

گزینہ ی ۳: «العظيمة، صفت/ مفرد. ترجمه: ای خواهرم باید از ثروت‌های بزرگت انفاق کنی!

۱۹ ☆ گزینہ ۱ «عَزَمَ عَلِيٌّ: تصمیم گرفت/ «بَدَأَ»: شروع کند (گاهی مصدر را می‌توان به صورت مضارع التزامی ترجمه کرد.)/ «شَعَرَ بِ: احساس ... کرد/ «تَرَكَهَا»: ترک کردن آن / للمرة الثانية: بار دوم

۲۰ ☆ گزینہ ۲ «رَأَيْتُ»: دیدم/ «فی حدیقتنا»: در باغمان/ «بَلْبَلٌ جَمِيلَةٌ»: بلبل‌های زیبایی (موصوف و صفت نکره)/ «تَقَرَّدَ»: که آواز می‌خواندند (جمله وصفیه)/ «بصوتٍ جميلٍ»: با صدایی زیبا (موصوف و صفت نکره)/ «نَحْنُ استرخنا»: ما استراحت می‌کردیم/ «تحت الأشجار الخضراء»: زیر درختان سرسبز

۲۱ ☆ گزینہ ۲ «نَفَهَمُ»: می‌فهمیم/ «حياه العظماء»: زندگی بزرگان/ «يحاولون»: می‌کوشند/ «طرده الأفكار التي»: دور کردن افکاری که/ «تَهَاجَمَهُمُ»: به آن‌ها هجوم می‌آورد، به آنان حمله می‌کند.

۲۲ ☆ گزینہ ۳ چه کسی بخشنده‌تر است از فروبخشنده‌ای که می‌بخشد بر کسی که شایسته‌ی رحمت نیست.

در هیچ یک از گزینہ‌ها «مَنْ» به صورت اسم پرسشی (استفهامی) ترجمه نشده است.

«مَنْ» (اول جمله) استفهامی: چه کسی / «أَكْرَمَ مَنْ»: بخشنده‌تر از / «مَنْقُضٌ»: کرمی، بخشنده‌ای (اسم نکره) / «يَجُودُ عَلِيٌّ» (جمله‌ی وصفیه): که می‌بخشد به / «مَنْ لَيْسَ مُسْتَأْهِلٌ»: کسی که شایسته نیست / «الرَّحْمَةُ»: رحمت، بخشش / «أَيْضاً»: همچنین

«أَكْرَمَ» اسم تفضیل است باید معنی «تر یا ترین» بدهد. در گزینہ ۴ به صورت تفضیلی نیامده است.

۲۳ ☆ گزینہ ۲ «تَحَمَّلْتُ»: تحمل کردم (فعل ماضی) / «الكدح»: رنج / «التَّعَبُ الكثیر»: زحمت بسیار / «فی أيامِ دراستي»: در دوران تحصیل
بررسی سایر گزینہ‌ها:

گزینہ ی ۱: «كُنْتُ أَطالِعُ»: به معنی «مطالعه می‌کردم» (ماضی استمراری) صحیح است.

گزینہ ی ۳: «ما حاكيتُ» و «اعتمدتُ» فعل ماضی هستند به معنی «تقلید نکردم» و «اعتماد کردم».

گزینہ ی ۴: «الحيوان» مفرد است.

۲۴ ☆ گزینہ ۴ «أهْيَيْ نفسي»: خود را آماده می‌کنم / «للذَّهاب»: برای رفتن / «إلى بيتِ صديقي»: به خانه‌ی دوستم / «أريد أن أساعده»: می‌خواهم به او کمک کنم / «فی دروسه»: در درس‌هایش

بررسی سایر گزینہ‌ها:

گزینہ ی ۱: «آماده کردم» نادرست است و «آرید» ترجمه نشده است.

گزینہ ی ۲: «آماده شدم» نادرست است و «نفسی» و ضمیر «ه» در «دروسه» ترجمه نشده‌اند.

گزینہ ی ۳: «آرید» ترجمه نشده است.

۲۵ ☆ گزینہ ۳ «بَعْدَ هُبُوطِ أولِ إنسانٍ»: بعد از فرود آمدن اولین انسان / «فَهَمَ العلماءُ»: دانشمندان فهمیدند / «أَنَّ القَمَرَ كوكبٌ هامدٌ»: که ماه سیاره‌ای سرد و خاموش (بی‌آب و علف) است / «لا يقدرُ أيُّ موجودٍ حيٍّ أن يسكنَ فيه» هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند در آن زندگی کند.

۲۶ ☆ گزینہ ۱ «شيدنا ايم»: قد سمعنا (ماضی نقلی) / «هیچ ترسی نیست»: لا خوف / «از سبیل»: من السبیل (معرفة) / «در این روستا»: فی هذه القرية (القرية جمع است.) / «کشاورزان»: الفلاحون / «با آرامش»: بهدوء، بسلام / «کار می‌کنند»: يعمل (در این جا)، يعملون

۲۷ ☆ گزینہ ۲ «باتوجه به این که کلمه‌ی «حقاً» در عبارت مورد سؤال این گزینہ، یک اسم نکره است، ترجمه‌ی درست عبارت، این گونه است: «ما هرگز فراموشش نخواهیم کرد، زیرا که او بر ما، حقی بزرگ دارد»

نکات مهم درسی

«نَ» که از حروف ناصبه فعل مضارع است، وقتی بر سر فعل مضارع عربی در می‌آید، زمان حال مثبت را به آینده منفی، تبدیل می‌کند. / «و إن»: اگرچه

۲۸ ☆ گزینہ ۱ «لم يفرح، خوشحال نشدند» (رد گزینہ‌های ۳ و ۴)

«كانوا تعودوا: عادت کرده بودند» (رد گزینہ‌های ۲ و ۳)

«أن يستقبلوه: از ایشان استقبال کنند» (رد گزینہ‌های ۲ و ۳)

۲۹ ☆ گزینہ ۱ «أن يكر مأك ... ثروت تو افزایش باید [زیاد شود]

۳۰ ☆ گزینہ ۴ «گمان کرده بود: كان قد ظن» (رد گزینہ‌های ۱ و ۳). چون در گزینہ ی ۲ «صدیقتی» به کار رفته است، پس باید ضمیر هم «مؤنث» باشد: «ما أفهم كلامها».

۳۱ ☆ گزینہ ۴ «لما: هنگامی که» رد گزینہ‌های ۱ و ۲

«شجعنا: ما را تشویق کرد» رد گزینہ‌های ۱ و ۲

«المجالات: زمینه‌ها» رد گزینہ ی ۳

۳۲ ☆ گزینہ ۱ «انسانی شاعر: إنسانٌ شاعرٌ» رد گزینہ‌های ۲ و ۴

«أهو: الطبی» رد گزینہ ۳ (در این گزینہ از اسم اشاره «ذلك» استفاده شده است.)

۳۳ ☆ گزینہ ۴ «الأساعد: برای این که یاری کنم» (رد گزینہ ی ۱)

«أنفقْتُ: انفاق کردم» (رد گزینہ‌های ۲ و ۳)

۳۴ ☆ گزینہ ۲ «العبء: گزینہ ی ۳: الصغیر» گزینہ ی ۴: «آخر» از «أآخر» اسم تفضیل

۳۵ ☆ گزینہ ۱ «الهی: خدای من» (رد گزینہ‌های ۲ و ۴)

«يهبُ: می‌بخشد» (رد گزینہ ی ۲)

«و إن لست: هر چند نباشم» (رد گزینہ‌های ۳ و ۴)

۳۶ ☆ گزینه ۱ «أَفْضَلُ أَصْدِقَاءِنَا»: بهترین دوستان ما / «مَنْ»: کسی است که / «يُسَاعِدُنَا»: به ما کمک می کند / «أَكْثَرُ مِنَ الْآخِرِينَ»: بیش تر از دیگران
بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۲: «هنگامی که حرص را ترک کنیم در راحتی زندگی می کنیم!» صحیح است.

گزینه ۳: «به هنگام پرواز به خفاش ها فقط گوش هایشان کمک می کند.» صحیح است.

گزینه ۴: «ما گنّا نستطيعُ، به معنی «نمی توانستیم» صحیح است.

۳۷ ☆ گزینه ۱ ترجمه صحیح این گزینه: «ما در حالی که مشتاق رسیدن به موفقیت هستیم از حقوقمان دفاع می کنیم!»

۳۸ ☆ گزینه ۴ «کیست بهتر از کسی که به سوی خدا دعوت کند و عمل صالح انجام دهد»

در اهمیت انجام عمل است که سایر گزینه ها با آن هم معنی است، اما گزینه ی ۴ در مورد این است که هر که نیکی کند به خود کرده و هر که بدی کند نیز به خودش بد کرده است. نتیجه ی عمل انسان به او برمی گردد.]

۳۹ ☆ گزینه ۲ «اذا أردت»: اگر بخواهی / «أَنْ تَعِيشَ»: که زندگی کنی / «فِي حَيَاتِكَ»: در زندگی ات / «بِالْفَرَحِ وَالرَّاحَةِ»: با شادی و آسودگی / «فَمَا عَلَيْكَ إِلَّا...»: بر تو لازم است که تنها... / «أَنْ تَدَعَ»: که رها کنی / «لَا يَنَالُ»: نمی رسد / «مَتَى»: آرزوها (جمع مکسر کلمه «مَتْنِيَّةٌ»)

۴۰ ☆ گزینه ۱ «بهار»: الرِّبْع / «آمده است»: قد أتى، قد جاء (ماضی نقلی) / «تا بهره مند شویم»: لِنَتَمَتَّعَ بِـ / «لبخند»: تَبَسَّمَ / «شکوفه های رنگارنگ»: الأزهار المتلوّنة / «بوی خوشی»: رائحة طيبة / «که پخش می شود»: تفوح (جمله وصفیه) / «از دهانشان»: من فمها

۴۱ ☆ گزینه ۳ «تَذَوَّقَ»: چشید، (گزینه ۱) / «شَجَّعَ الشَّبَابَ»: جوانان را تشویق کرد، (گزینه ۲) / «مَنْ»: کسی که (جمله «تعرف علی حقيقة الحياة، جمله صله است و «ناجح» خبر «أَنْ» می باشد، ولی در این عبارت به صورت شرطی ترجمه شده است) «گزینه ۴) / «حیات: زندگی اش» (گزینه ۴)

۴۲ ☆ گزینه ۱ بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۲: «يُحَاسِبُ» فعل مجهول است و در این جا به صورت «محاسبه می شوند» ترجمه می شود.

گزینه ۳: «وقتی» اضافه است. / «او را» به صورت «فرزندش را» صحیح است. / «ضمیر «نا» در «نبینا» ترجمه نشده (پیامبر بزرگوار ما).

گزینه ۴: «قد هيأنا» ماضی نقلی است و به صورت تهیه کرده ایم» صحیح است. / «طعاماً» نکره است (غذایی). / «ضمیر «هم» نیز ترجمه نشده است.

۴۳ ☆ گزینه ۱ «إِنَّ»: یقیناً، همانا، مسلماً، به راستی / «السَّمَاءُ الدُّنْيَا»: آسمان نزدیک تر («الدُّنْيَا» مؤنث «دنی» اسم تفضیل به معنی «نزدیک تر» است. «السَّمَاءُ الدُّنْيَا» موصوف و صفت هستند.) / «زَيْتًا»: آراستیم / «زَيْتَةً»: زبوری (اسم نکره) / «الكَوَاكِبُ»: ستارگان

۴۴ ☆ گزینه ۲ «مَنْ»: چه کسی / «أَكْثَرُ شَهَامَةً»: باشهامت تر / «المقاتلين»: پیکارجویان، جنگجویان / «كان..... يدقُ»: می کوبید / «أبواب قلوبهم»: درهای قلب هایشان / «حَبَّ الشَّهَادَةِ»: عشق به شهادت / «كُلَّ يَوْمٍ»: هر روز

۴۵ ☆ گزینه ۴ ترجمه ی آیة ی مبارکه در صورت سؤال: «هرکسی کار نیکی بیاورد (انجام دهد)، ده برابر نظیر آن، پاداش دارد، که در گزینه های ۱، ۲ و ۳، نیز همین مفهوم دریافت می شود، اما گزینه ی ۴ اشاره به این موضوع دارد که اگر انسان حتی به اندازه ی یک ذره ی کوچک هم کار بد انجام دهد، جزای آن را در قیامت می بیند: که این گزینه مفهوم عبارت صورت سؤال را نمی رساند.

۴۶ ☆ گزینه ۳ أَنْ + تَعَلَّمَ ← أَنْ تَعَلَّمَ (أَنْ + مضارع ← که + مضارع التزامی)

أَنْ تَعَلَّمَ: که بدانیم. رَدّ گزینه ی ۱ که «أَنْ تَعَلَّمَ»: ترجمه نشده است و گزینه ی ۴ زیرا «می دانیم» ترجمه شده است.

در «لَا أَتَزَّ»، لا نفی جنس است بنابراین در ترجمه آن باید از «هیچ استفاده شود (رَدّ گزینه ی ۲) علاوه بر این کلمه «یعنی» در گزینه ی ۲ به غلط در ترجمه وارد شده است.

۴۷ ☆ گزینه ۱ «رُؤْيُ نَكِّ إِلَيْهِ»: جوانمردی ات به او،

در گزینه ی ۲ «إِلَيْهِ» ترجمه نشده است.

أَسَاءَ إِلَيْكَ، به تو بدی کرد در گزینه ی ۲ «كَ»، به تو، ترجمه نشده است به علاوه «إِلَيْهِ» در گزینه های ۳ و ۴ نیز ترجمه نشده است. به علاوه در گزینه ی ۳ «أَسَاءَ إِلَيْكَ»، به غلط بصورت مصدر یعنی «بدی کردن» ترجمه شده است.

۴۸ ☆ گزینه ۴ بررسی موارد در سایر گزینه ها:

در گزینه ۱ «ه» در «إِلَيْهِ» به «مدیره» که مؤنث است برمی گردد که نادرست است.

در گزینه ۲ «ها» در «أُمَّهَاءُ» به «الطفل» که مذکر است برمی گردد که نادرست است.

در گزینه ۳ «ه» در «بَعْضُهُ» به «أشياء» که جمع غیر عاقل است برمی گردد پس باید بصورت مفرد مؤنث یعنی «ها» بَعْضُهَا بیاید.

۴۹ ☆ گزینه ۳ در گزینه ۱ «أَعْلَمُ» اسم تفضیل به معنای «داناتر» است و «می دانی» نادرست است.

در گزینه ۲: اسم اشاره جمع همراه با اسم بدون «أل» جمع آمده است پس باید به صورت جمع ترجمه شود: «آن ها دانش آموزان کوشایی هستند»

در گزینه ۴ اِبْتَعَدَ: ماضی است که به غلط به صورت مضارع ترجمه شده است.

۵۰ ☆ گزینه ۱ بررسی موارد در سایر گزینه ها:

اكتفا: اكتفا کرد، بسنده کرد (رد گزینه ی ۳)

إمامكم من: امام شما کسی است که (رد گزینه ی ۲)

طلب منكم: از شما خواست (رد گزینه های ۲ و ۴)

۵۱ ☆ گزینه ۳ «گرگ»: الذَّبُّ / «با دقت نگاه کرد»: الذَّبُّ (فعل ماضی) / «اطرافش»: حوله / «پناهگاه»: المأمن / «خارج شد»: خرج / «تا به دنبال ... بگردد»: حتّى يفتش، ليفتش / «گوسفندی»: غنم / «که دور شده بود»: كان ابتعد (جمله ی وصفیه، ماضی بعید) / «از گله»: من القطيع

فعلى که اسم نکره را توصیف کند، جمله ی وصفیه است.

۵۲ ☆ گزینه ۴ بعد از ادوات شرط لازم است بلافاصله فعل شرط بیاید. بنابراین در گزینه‌ی ۴، چون پس از ادوات شرط «إن»، اسم «التلاميذ» آمده است، نادرست می‌باشد. زیرا التلاميذ اسم است و فعل نیست.

۵۳ ☆ گزینه ۱ «اهداف»: الأغراض، الأهداف (باتوجه به جمع غیر عاقل بودن «الأغراض»، «التي» به کار رفته است.) / «تحقق آن هاست»: تحقّقها / «زمان‌های طولانی»: أزمانٍ طويلةٍ بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «الغرض» به اشتباه، مفرد آمده و «طولانی» که صفت برای «أزمان» است، باید مؤنث باشد (طويلة).

گزینه ۳: برای جمع غیر عاقل موصول «اللاتي» و هم‌چنین «هنّ» آمده است و «زمن» به صورت مفرد و «طویل» به صورت مذکر نادرست است.

گزینه ۴: «المرء» فاعل است و فعل آن باید مذکر باشد و نیز فعل «يحتاج» خبر برای «إن» است که باید مفرد مؤنث می‌آید زیرا مربوط به الأهداف است که جمع غیر قابل است، ضمن این که «زمن» باید به صورت جمع بیاید (أزمان).

۵۴ ☆ گزینه ۲ عبارات عربی، در مورد از بین بردن بدی با نیکی کردن است نه این که جزای نیکی، نیکی است! تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «پیرامون یکسان نبودن احوال دنیا است!

گزینه ۳: «پیرامون لزوم انجام دادن کار انسان به وسیله‌ی خودش است!

گزینه ۴: «پیرامون اندیشیدن قبل از عمل کردن است!

۵۵ ☆ گزینه ۴ تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «أهديتُ فعل شرط است و به صورت مضارع التزامی (هدیه دهم) ترجمه می‌شود.

گزینه ۲: «می‌خواستید» به صورت «می‌خواهید» صحیح است.

گزینه ۳: «ملاسم» به صورت «لباس‌هایشان» صحیح است.

۵۶ ☆ گزینه ۲ آیه بیان می‌کند که بندگان خدا کسانی هستند که در زمین با وقار و فروتنی راه می‌روند. (کنایه از اینکه متواضع و فروتن هستند.) و گزینه ۲ بیانگر این امر است.

۵۷ ☆ گزینه ۱ بدانید: إعلموا (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

می‌رساند: یُوصَل (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

اهداف والایش: اهدافه العالیة (رد گزینه‌های ۳ و ۴) توجه شود مضاف الیه می‌تواند بین موصوف و صفت بیاید ولی در فارسی بین موصوف و صفت نباید فاصله باشد.

۵۸ ☆ گزینه ۴ ردّ گزینه‌های دیگر:

«أمران» مثنی است.

رد گزینه ۱ و ۳ بصورت جمع (این امور- اموری) ترجمه شده که غلط می‌باشد.

«أترم» فعل امر مخاطب است و به معنای «ملزم باش - همراه باش» می‌باشد. (نادرستی گزینه ۲)

«ظهوره» دارای ضمیر است (نادرستی گزینه ۲: بدون ضمیر ترجمه شده است)

۵۹ ☆ گزینه ۱ زیرا «ألید» که مشارالیه است به غلط به صورت «خبر» در جمله‌ی اسمیه ترجمه شده است و صورت صحیح ترجمه «هذا الید» «این دست» می‌باشد.

۶۰ ☆ گزینه ۱ «زینت» در این گزینه فعل مجهول و جمله‌ی وصفیه برای أثواب که نکره است، می‌باشد.

۶۱ ☆ گزینه ۴ گزینه ۱ «أفضل»، گزینه ۲ «الدنیا»، گزینه ۳ «الأخری» صفت از نوع اسم تفضیل است.

رد گزینه ۴، «أربع» عدد چهار است و معنی صفت نمی‌دهد.

۶۲ ☆ گزینه ۲ الآخرین: مفرد آن «الأخر» اسم تفضیل است که در اصل «أأخر» بر وزن أفعل است.

گزینه ۱، «شرب» به معنی «بدی» است و «أربع» چهار و «الأحمر» به معنی «سرخ» هیچ کدام از سه مورد اسم تفضیل نیست.

۶۳ ☆ گزینه ۲ «أفضل» اسم تفضیل است و مضاف واقع شده معنی صفت عالی [=ترین] می‌دهد که به غلط تفضیلی [=تر] ترجمه شد.

۶۴ ☆ گزینه ۴ «المحسنین» مفعول

۶۵ ☆ گزینه ۳ «أهدئ» فعل و فاعل «هو» در آن پنهان است.

۶۶ ☆ گزینه ۲ «عبادة» مفرد است که به غلط جمع ترجمه شده و ضمیر «ک» در عبادتک ترجمه نشد.

۶۷ ☆ گزینه ۳ «أنضح و أطوع» اسم تفضیلی هستند و حالت مقایسه آمده و در جمله مضاعف واقع شدند معنی صفت عالی [=ترین] می‌دهند.

۶۸ ☆ گزینه ۴ در گزینه ۱، اسم تفضیل وجود ندارد، در گزینه ۲، «خیر» به معنی «خوبی» است.

رد گزینه ۳، «هم» به معنی «نیکی» است. هیچ کدام معنی تفضیلی نمی‌دهد. اما در گزینه ۴، «الدنیا» اسم تفضیل مؤنث «أدنی» بر وزن أفعل می‌باشد.

۶۹ ☆ گزینه ۴ «الأرادل» و «الأفاضل» جمع مکسر است و مفرد آن‌ها «أرذل» و «أفضل» است که در این صورت اسم تفضیل می‌باشد.

رد در سنانه ذکر شد که برای تشخیص جمع مکسر، اسم تفضیل هست یا نه، به مفرد آن نگاه می‌کنیم.

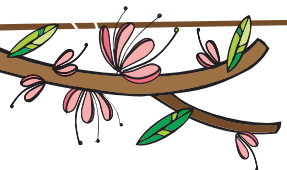
۷۰ ☆ گزینه ۳ در گزینه ۳، «أحب» مبتدا و «أنقع» خبر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: اسم تفضیل وجود ندارد.

گزینه ۲: «خیر» مجرور به حرف جرّ است.

گزینه ۴: «أهم» مجرور به حرف جرّ است.



۷۱ ☆ گزینه ۴ در گزینه ۱: «ذَهَبٌ ← كَهَبٌ» و در گزینه ۲: «أَخَوَانٍ ← إِخْوَانٍ» مِنْ ← مَنْ، و در گزینه ۳: «مَنْ ← مَن» نادرست می باشد.
 ۷۲ ☆ گزینه ۳ با در نظر گرفتن ترجمه ی آیه: «و از مردم روی بر متاب، و در زمین خرامان راه مرو؛ همانا خداوند هر خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد.» گزینه ی «۳» با معنای فروتنی، مناسب مفهوم آن است.

۷۳ ☆ گزینه ۳ در هنگام مقایسه میان دو اسم مؤنث و استفاده از حرف «من»، اسم تفضیل را مذکر می آوریم، نه مؤنث: صدیقتی أصغرٌ من أختی سناً!
 توجه: اسم تفضیل در حالت مقایسه، بین دو اسم مؤنث معمولاً بر وزن «أفعلٌ» می آید به شرطی که بدون «ال» باشد.
 ۷۴ ☆ گزینه ۳ «تَضَحُّ: پند می دهد، نصیحت می کند / «آیتان»: دو آیه / «الأولی»: نخست، اول / «تلقیب»: لقب دادن / «یکرهون»: ناپسند می دارند.
 تشریح گزینه های دیگر:

در گزینه ۱: «آنان»، در گزینه ۲: «از خود - دور کنیم» و در گزینه ۴: «بازمی دارند - این که - آن که» نادرست اند.
 ۷۵ ☆ گزینه ۲ ترجمه عبارت آمده در صورت سؤال: «بزرگ ترین عیب این است که آن چه مانند آن در توست، عیب جویی کنی!» در صورتی که گزینه ۲، درباره این است که تو عیب دیگران را می گویی و دیگران نیز عیب تو را خواهند گفت و این دو مفهوم با هم تناسب ندارند.

۷۶ ☆ گزینه ۲ کلمه ی (أَحَبٌ) فعل ماضی برای صیغه ی سوم شخص مفرد است و اسم تفضیل نیست.
 تشریح گزینه های دیگر:

گزینه ۱: «أعلی» اسم تفضیل به معنای (بلند ترین) است.
 گزینه ۳: «أقل» اسم تفضیل به معنای (کم ترین) است.
 گزینه ۴: «الکبری» اسم تفضیل مؤنث (مؤنث «أكبر») است.

۷۷ ☆ گزینه ۴ ترجمه گزینه ۴: سکوت طلاست و سخن نقره است!
 این حدیث ارزش سکوت را بیان می کند.

۷۸ ☆ گزینه ۴ گزینه های ۱، ۲ و ۳ همگی مفردشان اسم مکان است که به ترتیب «مَطْعَمٌ، مَنْزِلٌ و مَلْعَبٌ» است، اما «مَشَاكِلٌ، مفردش «مُشْكَلَةٌ» است که اسم مکان نیست.
 ترجمه گزینه ها:

(۱) رستوران های قاهره بیشتر از رستوران های اردن است!

(۲) قیمت خانه ها در تهران بیشتر از دیگر شهرهای ایران است!

(۳) ورزشگاه (زمین بازی) آزادی، بزرگ ترین ورزشگاه های (زمین های بازی) فوتبال در ایران است!

(۴) جوانی که در نعمت زندگی کرده است، نمی تواند در مقابل مشکلات مقاومت کند!

۷۹ ☆ گزینه ۱ جمع اسم تفضیل بر وزن «أفاعل» می آید نه «مفاعل».
 ترجمه سایر گزینه ها:

(۲) اسم تفضیل مؤنث بر وزن «فعلی» می آید. (۳) گاهی کلمه «خیر» به معنی اسم تفضیل می آید.

(۴) گاهی وزن «أفعل» برای مقایسه بین دو اسم مؤنث می آید.

۸۰ ☆ گزینه ۱ ترجمه گزینه ها:

(۱) همکارم پیراهنی آبی رنگ به من کادو داد!

(۳) این بلندترین درختان در جهان است!

(۴) چهار کیف از گران ترین قیمت ها خریدم!
 نکته: رنگ ها بر وزن «أفعل» می آیند، اما نباید آن را با اسم تفضیل اشتباه گرفت.

۸۱ ☆ گزینه ۴ ترجمه عبارت سؤال: «همانا دوست داشتنی ترین برادرانم کسی است که دوست داشت غیبت دیگران را نکرده، از ایشان عیب جویی نکند!»

۸۲ ☆ گزینه ۱: «قَسَمَ» حرف عطف «و» بر سر آن آمده پس معطوف است.

گزینه ۳: اگر جواب شرط جمله اسمیه باشد، حرف «فَ» بر سر آن می آید که در این گزینه حرف «فَ» بر سر آن نیامد.

گزینه ۴: «يُنْمَوْنَ» اگر جواب شرط باشد حرف نون باید حذف می شد، پس جواب شرط نیست.

۸۳ ☆ گزینه ۱ منظور کدام «ما» شرطیه است: زیرا «ما»ی شرط حرکت آخر فعل «مضارع» را تغییر می دهد به جز ساختار «يَفْعَلْنَ و تَفَعَّلْنَ»، یعنی جمع مؤنث. اگر آخر فعل ضمه داشت به سکون و اگر نون داشت حذف می شود.

ادات شرط حرکت دو فعل مضارع را تغییر می دهند، در گزینه ۲ ادات شرط بر سر دو فعل ماضی آمده است و تغییری ایجاد نکرده است.

گزینه ۲ دو هم شرطیه است ولی بعد از ادات شرط دو فعل ماضی آمده که تغییر نمی کنند.

۸۴ ☆ گزینه ۳ توجه: برای ساختار اسم (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مکان، اسم مبالغه ...) به مفرد آن نگاه می کنیم.

گزینه ۱: «الشَّبَابُ» مفرد: الشَّابُّ «اسم فاعل» از ثلاثی مجرد.

گزینه ۲: «مُسْتَعِينًا» اسم فاعل از ثلاثی مزید.

گزینه ۴: «النَّهَاءُ» مفرد: النَّهْيُ «اسم فاعل» از ثلاثی مجرد.

۸۵ ☆ گزینه ۴ گزینه ۱: ناهیا و معیناً هر دو اسم فاعل از ثلاثی مجرد و مزید است.

گزینه ۲: «المُسَافِرِينَ» اسم فاعل ست.

گزینه ۳: «المَجْرَبُ، المَلْمَعَاتُ، مَمْرُوجَةٌ» هر سه اسم مفعول هستند.

اما گزینه ۴: «الصَّالِحَةُ» ناهین، صابرين، المَشَاكِلُ «اسم فاعل هستند. المُنْكِرُ» اسم مفعول است.

۸۶ ☆ گزینه ۱ «ما، اسم شرط، «فَعَلْتُ، فعل شرط، «وَجَدْتُ، جواب شرط است.

گزینه ۲: «ما، اسم استفهام (پرسشی) است (اسم کتاب چیست)

گزینه ۳: «ما، حرف نفی است، «مَا قَسَمَ ...» تقسیم نکرد.

گزینه ۴: «ما، حرف نفی است. مَا سَبَّ: نیافت، پیدا نکرد.

۸۷ ☆ گزینه ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

در گزینه ۱: «له حرف زائد» ← لیس له حرف زائد، و در گزینه ۳ «لا یحتاجُ إلى المفعول» ← یحتاجُ إلى المفعول، و در گزینه ۴ «تفضیل» ← اسم فاعل، نادرست می‌باشد.

۸۸ ☆ گزینه ۴ بررسی سایر گزینه‌ها: در گزینه ۱ «لَهُ حرفانِ زائدانِ» ← لَهُ حرف زائد، و در گزینه ۲ «لَهُ حرف زائد» ← لیس لَهُ حرف زائد و در گزینه ۳ «جَمَعَهُ خطایا» ← جَمَعَهُ أَلْخَطَا، نادرست می‌باشد.

۸۹ ☆ گزینه ۱ بررسی سایر گزینه‌ها:

در گزینه ۲ «فاعل» ← مفعول، و در گزینه ۳ «له حرف زائد» ← لیس له حرف زائد، و در گزینه ۴ «جواب شرط، نادرست می‌باشد.

۹۰ ☆ گزینه ۲ بررسی سایر گزینه‌ها:

در گزینه ۱ «له حرفانِ زائدانِ» ← له حرف زائد، و در گزینه ۳ «یحتاجُ إلى المفعول» ← لا یحتاجُ إلى المفعول و در گزینه ۴ «مجرور بحرف جر» ← مضاف إليه، نادرست می‌باشد.

۹۱ ☆ گزینه ۲ تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «خویش، و یا این که» اضافه‌اند.

گزینه ۳: «ترجمه صحیح: بسیار تلاش کردی و به هدف‌های سودمندت رسیدی!»

گزینه ۴: «ترجمه صحیح: کارهای خوب همیشه اندوخته‌ای برای آخرت انجام‌دهنده‌اش می‌شود!»

۹۲ ☆ گزینه ۴ علینا أَنْ لا نَعصی: نباید سرپیچی کنیم (رد گزینه‌های ۱ و ۳) (در گزینه ۱، فعل‌ها جابه‌جا ترجمه شده‌اند).

واجباتنا المدرسیة: تکالیف درسی‌مان (رد گزینه ۲)

توجه: حرف أَنْ + «لای نفی» + فعل مضارع = مضارع التزامی منفی

۹۳ ☆ گزینه ۳ ترجمه گزینه‌ها:

۱) علم شیمی: دانش مطالعه عناصر و ویژگی‌های آن است!

۲) هنگامی که دو نفر با سخنی پنهانی با هم گفت‌وگو می‌کنند، پس آن‌ها آهسته سخن می‌گویند!

۳) عقب‌نشینی آن است که چیزی را به سرعت به عقب بکشی!

۴) همزیستی همان است که موجودات زنده با یکدیگر زندگی کنند!

۹۴ ☆ گزینه ۱ ترجمه گزینه ۱: مردم، دشمن آنچه که نمی‌دانند هستند.

این عبارت به این موضوع اشاره می‌کند که غالب مردم در مقابل آنچه که نمی‌دانند، مقاومت می‌کنند.

۹۵ ☆ گزینه ۴ ترجمه گزینه‌ها:

۱) پایبند آداب نمی‌باشد پس با رفتارش به مردم زیان می‌رساند! (۲) از کارهایی که در آن بدی به دیگران باشد، دوری نمی‌کند!

۳) به کسی که با وی سخن می‌گوید، توجه نمی‌کند و سخنش را قطع می‌کند!

۴) سخن کسی را که از وی پیشی می‌گیرد، قطع نمی‌کند پس صبر می‌کند تا از آن فارغ شود!

۹۶ ☆ گزینه ۲ ترجمه جملات:

۱) چه کسی به تو در نوشتن انشایت کمک می‌کند و آن را می‌خواند؟

۲) هر کس به سخن معلم به خوبی گوش نکند، مردود می‌شود!

۳) چه کسی دانش دین را یاد می‌دهد و به آن عمل می‌کند

۴) از دوست داشتنی‌ترین بندگان خدا کسی است که به بندگان او سود رساند!

۹۷ ☆ گزینه ۳ یَسَاعِدُ: جواب شرط، مصدر آن «مُسَاعَدَةٌ»، و بر وزن «مُفَاعَلَةٌ»، می‌باشد.

رد سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «یُجَاوِلُ، فعل شرط است، پس با آنکه مصدرش بر وزن «مُفَاعَلَةٌ» است، ولی گزینه مناسبی نیست. زیرا سؤال جواب شد.

گزینه ۲: هر چند «یُجَالِسُ»، مصدرش بر وزن «مُفَاعَلَةٌ» است، ولی جمله دارای ساختار شرطی نیست.

گزینه ۴: «تَتَنَفَّعُ، جواب شرط می‌باشد، ولی مصدر آن بر وزن «مُفَاعَلَةٌ» نیست.

۹۸ ☆ گزینه ۳ در گزینه ۳ از ادات شرط استفاده نشده و در نتیجه ساختار شرطی نیست و بنابراین فعل ماضی در این جمله به همان صورت ماضی ترجمه می‌شود.

ترجمه گزینه ۳: بنابراین خداوند غیبت و جاسوسی کردن را حرام فرموده است!

۹۹ ☆ گزینه ۴ در گزینه ۴ «البرازیل»، معرفه به علم است ولی نقش مجرور به حرف جر دارد.

در بقیه گزینه‌ها:

گزینه ۱ «قَسَمَ»، گزینه ۲ «نیکشهر، سیستان»، گزینه ۳ «ایلام»، علم و مضاف‌الیه می‌باشند.

۱۰۰ ☆ گزینه ۳ در گزینه ۳ «المزارعون»، معرفه به ال و فاعل است.

در گزینه ۱ «الطبیعة»، گزینه ۲ «الخبر»، گزینه ۴ «العالم»، معرفه به ال و مضاف‌الیه می‌باشند.

۱۰۱ ☆ گزینه ۴ «الْاِغْرَاقُ» خبر است و معرفه به «أَل» است.

گزینه ۱ «جَنَّةٌ»، گزینه ۲ «خَيْرٌ»، گزینه ۳ «خَيْرٌ» نکره می‌باشد، فقط گزینه ۴، معرفه است که با بقیه گزینه‌ها نکره هستند با هم مختلف می‌باشند.

۱۰۲ ☆ گزینه ۳ مسجد العتیق: مسجد عتیق (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

نکته: ترکیب «مسجد العتیق» ترکیب اضافی است و در اینجا واژه «العتیق» نمی‌تواند صفت برای مسجد باشد.

یَقِيعُ: قرار دارد (رد گزینه ۱) محافظة فارس: استان فارس (رد گزینه ۴)

قائمه: فهرست (رد گزینه ۲) التراث العالمي: میراث جهانی (رد گزینه ۲)

۱۰۳ ☆ گزینه ۳ ترجمه درست سایر گزینه‌ها:

(۱) برای دیدن یک مسابقه به ورزشگاهی رفتیم!

(۲) پیش از آنکه بازیکنان ببینند، ورزشگاه از تماشاچیان پر می‌شود!

(۴) و سرانجام هر یک از دو تیم دو گل به ثبت رساندند و با هم برابر شدند!

۱۰۴ ☆ گزینه ۱ ترجمه عبارت سؤال: «گزینه نادرست درباره مفهوم گرامی داشت معلّم را تعیین کن»

ترجمه گزینه‌ها:

(۱) از سر فهمیدن به وی گوش فرا دهی و از روی مچ گیری از وی بپرسی!

(۲) از سخنی که در آن بی ادبی به وی باشد بپرهیزی و از فرمان‌هایش سرپیچی نکنی!

(۳) در سخن گفتن از وی پیشی‌نگیری و صبر کنی تا از آن فارغ شود!

(۴) برای وی از جای خود برخیزی و در حضورش پایبند آرامش باشی!

۱۰۵ ☆ گزینه ۱

الف) الالتفاف: در هم پیچیدن

ترجمه گزینه‌های ستون دوم:

(۱) توجه انسان به کسی برای ادای احترام

(۲) طول و قطر و ارتفاع و حجم از جمله آن است.

(۳) صفات کسی یا چیزی برای شناخت آن

(۴) گردش و جمع شدن دور چیزی

۱۰۶ ☆ گزینه ۲ گزینه ۲ یک ساختار پرسشی دارد و نه شرطی.

ترجمه گزینه ۲: چه کسی به کتابخانه می‌رود و درس می‌خواند؟

۱۰۷ ☆ گزینه ۲ الله: مفعول و معرفه به علم

در سایر گزینه‌ها کلمات «إنشاءً، کتاباً و علماً» در محل اعرابی مفعول می‌باشند، ولی نکره هستند.

۱۰۸ ☆ گزینه ۴ گزینه ۱: «يُنْفَذُك» جمله وصفیه است و نقش موصوف (صديق) خبر است.

گزینه ۲: «شَاهَدْتُ» جمله وصفیه است و نقش موصوف (قَرِيْبَةً) مجرور به حرف جرّ است.

گزینه ۳: «يُسَاعِدُنِي» جمله وصفیه است و نقش موصوف (بِرْنامَجًا) مفعول است.

گزینه ۴: «يَفْرَحُ فِيهِ الْقُرَاءُ» جمله وصفیه است و نقش موصوف (عبيد) فاعل است.

۱۰۹ ☆ گزینه ۳ توجه: بر سر جمله وصفیه حروفی مانند: و، ف، ثُمَّ، أَوْ، أَمْ، ... و اسم موصول:

الَّذِينَ، الَّتِي، الَّذِينَ، مَنْ، ما ... نمی‌آید.

گزینه ۱: جمله وصفیه وجود ندارد. بعد از «رسولاً» فعل «عَصَى» حرف «ف» بر سر آن آمده است.

گزینه ۲: بعد از «شَيْئاً» جمله «هُوَ خَيْرٌ...» حرف «وَاو» بر سر آن آمده است.

گزینه ۳: جمله وصفیه «تَنُمُو»، اسم نکره «شَجَرَةٌ»، که نقش آن «مفعول» است را وصف می‌کند.

گزینه ۴: «يُسَاعِدُنِي» جمله وصفیه که «مُعْجَم» مجرور به حرف جرّ است را توصیف می‌کند.

۱۱۰ ☆ گزینه ۱ گزینه ۱: «يُنْتَفَعُ بِعَلْمِهِ» جمله وصفیه است و «عالم» «اسم نکره» و «مبتدا» است را وصف می‌کند.

گزینه ۲: «لَا تُدْرِكُ» جمله وصفیه است و «غَايَةً» نقش آن خبر است را، وصف می‌کند.

گزینه ۳: «لَا تُنْتَقِلُ» جمله وصفیه است و «رِيحٌ» نقش آن خبر است را، وصف می‌کند.

گزینه ۴: «يُنْفَذُك» جمله وصفیه است و «صديق» نقش آن خبر است را، وصف می‌کند.

۱۱۱ ☆ گزینه ۳ گزینه ۱: «حَيٌّ» خبر نکره است. اما «وَأِنْ كَانَ مَيِّتًا» جمله وصفیه نیست. زیرا بر سر جمله وصفیه حرف «وَاو» بر سر آن نمی‌آید.

گزینه ۲: «يومان» خبر نکره است. اما «يَوْمٌ لَكَ» جمله وصفیه نیست. زیرا «يَوْمٌ» می‌توان «بَدَل» از «يومان» گرفت که جزء اهداف کتاب درسی نیست.

گزینه ۳: «تَنُمُو» جمله وصفیه است که «شَجَرَةٌ» را که «خبر و اسم نکره» را وصف می‌کند.

گزینه ۴: «حَيٌّ» خبر و اسم نکره است. اما «وَأَقْدَبُ تَبْلَغٌ...» نمی‌تواند جمله وصفیه باشد. زیرا حرف «وَاو» بر سر آن آمده است.

۱۱۲ ☆ گزینه ۴ گزینه ۱: «يُفْجِنِي» فعل مضارع، جمله وصفیه «يُنْتَرَحُ» فعل مضارع، جمله وصفیه معنی مضارع التزامی می‌دهد.

گزینه ۲: «اَقْتَنَسُ» فعل مضارع، جمله وصفیه «يُسَاعِدُنِي» فعل مضارع، جمله وصفیه معنی مضارع التزامی می‌دهد.

گزینه ۳: حرف «حتی» بر سر فعل مضارع «يَحْكُم» بیاید معنی مضارع التزامی می دهد.

گزینه ۴: «لَا تَحْزَنُ» فعل نهی است.

۱۱۳ ☆ گزینه ۱ توضیح گزینه ۱: لَا أُحَدِّثُ: سخن نمی گویم / لیس لی به علم: در موردش آگاهی ندارم.

۱۱۴ ☆ گزینه ۱ ترجمه گزینه ها:

(۱) انسان در سخنش از چیزی پیروی کند که به آن آگاهی ندارد!

(۲) دخالت نکردن در موضوعی که انسان را در معرض تهمت ها قرار می دهد!

(۳) پرهیز از ستیز با مخاطبان در سخن به منظور مچ گیری!

(۴) در سخن، گفته هایی که در آن احتمال دروغ می رود ذکر نشود!

۱۱۵ ☆ گزینه ۴ ترجمه گزینه ۴: همانا انسان در زیر زبانش پنهان است!

این جمله، کنایه از این است که شخصیت انسان با گفتارش شناخته می شود.

۱۱۶ ☆ گزینه ۳ فعل مضارع «تَجِدُوا» جواب شرط است.

در گزینه ۱، «جواب شرط «لَهُ أَجْرٌ» جمله اسمیه است و در گزینه ۲، اصلاً ادوات شرط نداریم و «مَنْ» اسم شرط نیست و در گزینه ۴، «هُوَ شَرٌّ» جواب شرط و جمله اسمیه است.

۱۱۷ ☆ گزینه ۴ شَرٌّ، أَقْوَى، خَيْرٌ ← اسم تفضیل

اما «أَكْرَمٌ» در گزینه ۴ فعل ماضی است به معنای «گرامی داشت».

۱۱۸ ☆ گزینه ۳ در گزینه ۳ «عِبَادٌ» جمع مکسر است، ولی به ترتیب مضاف الیه و مجرور به حرف جر می باشد.

در سایر گزینه ها به ترتیب: «أَرَادُوا»، «أَفْضَلُ»، «الْعُلَمَاءُ وَ الْأَسْعَارُ»، همگی جمع مکسری می باشند که در محل اعرابی فاعل قرار دارند.

۱۱۹ ☆ گزینه ۳ ترجمه گزینه ۳: «چه کسی در مقابل معلمش ایستاد و قبل از سخن گفتن سلام نکرد؟»

کلمه «مَنْ» در این عبارت از نوع پرسشی است.

۱۲۰ ☆ گزینه ۴ ردّ سایر گزینه ها:

(۱) تَبَادُلٌ بر وزن تَفَاعُلٌ مصدر و اسم می باشد.

(۲) مجرور بحرف الجَرِّ ← مضاف إليه

(۳) اسم فاعل ← لیس اسم فاعل

۱۲۱ ☆ گزینه ۳ ردّ سایر گزینه ها:

(۱) فاعل ← مبتدأ

(۲) معرفة (علم) ← معرفة (أَل)

(۴) مجرور بحرف الجَرِّ ← مضاف إليه

۱۲۲ ☆ گزینه ۲ در گزینه ۲: «لَهُ» به معنای «برای» است ولی سایر گزینه ها به معنی «باید» است.

۱۲۳ ☆ گزینه ۱ ردّ سایر گزینه ها:

(۲) اسم مبالغة ← لیس اسم مبالغة

(۳) مضارع ← ماضی

(۴) «هُوَ» مضاف الیه ← مفعول

۱۲۴ ☆ گزینه ۱ يَتَنَفَّعُ: جمله وصفیه است و «خَيْرٌ» خبر جمله می باشد.

۱۲۵ ☆ گزینه ۱ ردّ سایر گزینه ها:

گزینه ۲: ما: فاعل ← مفعول

گزینه ۳: ما: مبتدا ← مفعول

گزینه ۴: ما: مضاف الیه ← خبر

۱۲۶ ☆ گزینه ۲ هو: فاعل ← لا محل لها مِنَ الإعراب

۱۲۷ ☆ گزینه ۳ الدَّكْتُورَةُ: فاعل ← نائب فاعل

توجه: بعد از فعل مجهول فاعل نمی آید.

۱۲۸ ☆ گزینه ۴ ردّ سایر گزینه ها:

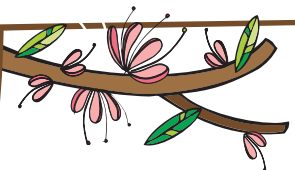
(۱) فاعل ← نائب فاعل (فعل مجهول فاعل ندارد)

(۲) مبتدا ← خبر

(۳) خبر ← صفت

۱۲۹ ☆ گزینه ۴ صار - يصير - أصبح - يصبح به معنای «شد» می شود، می باشند ولی کان به معنی «بود» می باشد.

۱۳۰ ☆ گزینه ۲ توجه: هر گاه جار و مجرور اول جمله اسمیه بیاید و خبری را برساند خبر مقدم می شود و اسم بعد از آن مبتدای مؤخر می شود.



۱۳۱ ☆ گزینه ۳ (إخوة: جمع مكسر - آیات: جمع مؤنث سالم - سائلین: جمع مذكر سالم)

توجه: منظور از تبتیر سوال این است که کدام عبارت هر سه نوع جمع (جمع مذكر سالم - جمع مؤنث سالم - جمع مكسر) را دارد.
رد سایر گزینه‌ها:

۱) الكلمات: جمع مؤنث سالم - أموات، أوزان: جمع مكسر

۲) مَسْؤُولُون: جمع مذكر سالم - البقاع، البهائم: جمع مكسر

۴) أعداء، قلوب، إخوان: جمع مكسر

۱۳۲ ☆ گزینه ۴ توجه: هر گاه جار و مجرور بر سر فعل بیاید جمله فعلیه به حساب می آید و آن جار و مجرور، خبر نمی شود.

۱۳۳ ☆ گزینه ۲ گزینه ۱: اسم فاعل که «العلماء» باشد فاعل است اما مفعول جمله، «الكائنات» بوده که باز هم اسم فاعل است.

گزینه ۲: «المؤلف» فاعل جمله است که اسم فاعل هم هست و «مُعْجَمًا» مفعول جمله است که اسم مفعول هم هست.

گزینه ۳: «الطائر» فاعل جمله است که اسم فاعل نیز هست اما مفعول جمله، «جذوع» است که اسم مفعول نیست.

گزینه ۴: «حارس» فاعل جمله است که اسم فاعل هم هست و مفعول جمله، ضمیر «ی» در «يُعْجَبُون» است که اسم مفعول نیست.

۱۳۴ ☆ گزینه ۳ «يَجِبُ أَنْ يَكُونَ» باید باشد / «الحوار»: گفت و گو / «بهدف الوصول»: با هدف دست یابی / «إلى الحقيقة»: به حقیقت / «ليس»: نه، نیست / «الانتصار»: پیروزی / «التفيس»: برای خود / «اثبات»: اثبات / «أن»: این که / «نظري»: دیدگاه من / «على حق»: درست است.

۱۳۵ ☆ گزینه ۱ «لبعض الأشجار»: برخی درختان دارند / «رائحة كريهة»: بوی ناپسندی، بویی ناپسند (موصوف و صفت نکره) / «لا تقرب منها»: به آن‌ها نزدیک نمی شوند (در این جا) / «تهرب منها»: از آن‌ها فرار می کنند (در این جا)

۱۳۶ ☆ گزینه ۳ اگر فعل گزینه ۳، «ما قبل: نپذیرفت» را به جای نقطه چین بگذاریم معنای جمله درست درمی آید: «دلی داور گل را نپذیرفت چرا؟ چه بسا به خاطر آفساید!»
در حالی که اگر گزینه ۱، «قبل: پذیرفت» و گزینه ۴، «قبل: نپذیرفت» را در نقطه چین قرار دهیم جمله از نظر معنی نادرست است و اگر گزینه ۲، «قبل: پذیرفت» را در نقطه چین قرار دهیم هم به خاطر مؤنث بودن و هم به علت معنی، جمله کامل نمی شود.

۱۳۷ ☆ گزینه ۳ الخطأ ≠ الصواب (التواب: پاداش / الصواب: درست)؛ «تاب» به معنای «توبه کرد» و «استغفر» به معنی «طلب آمرزش کرد» است.

تشریح گزینه‌های دیگر

گزینه ۱: «بزرگداشت ≠ تحقیر کردن / خوب تر

گزینه ۲: «نزدیک شد ≠ دور شد / کشاورز

گزینه ۴: «سریچی می کند ≠ اطاعت می کند / ستیز کرد

۱۳۸ ☆ گزینه ۳ ترجمه عبارت سؤال: خرمایم را خوردید و نافرمانیم کردید. (پیام: نمک‌شناسی)

مصراع اول گزینه ۳، «استفهام انکاری است به این معنی که حق نمک فراموش نمی شود.

گزینه‌های دیگر همه درباره نمک‌شناسی است.

۱۳۹ ☆ گزینه ۳ در گزینه ۳، «مضارع به شکل «تتجادلین» صحیح است که از باب «تفاعل» می باشد.

۱۴۰ ☆ گزینه ۳ «علیک أن» می تواند به صورت (تو باید، بر تو واجب است که، بر تو لازم است که...) ترجمه شود.

در گزینه ۱ افضل اسم تفضیل است و باید در ترجمه آن از «تر و ترین» استفاده کرد.

در گزینه ۲ قبل از فعل بُرِئِدْ «کان» آمده است و باید معادل ماضی استمراری ترجمه شود. (می خواست)

در گزینه ۴ فعل جاء+حرف ب آمده است و باید (آورد) ترجمه شود. (هم شاگردی صادق عیب هایم را آورد تا آنها را به من هدیه کند).

۱۴۱ ☆ گزینه ۳ الْمَسْئُول : سؤال شونده

۱۴۲ ☆ گزینه ۴ در گزینه ۱ «أَكْبَرُ الْعَيْبِ» بزرگترین عیب» و در گزینه ۲ «التَّوَّاضُلُ: ارتباط، نادرست ترجمه شدند و در گزینه ۳ «مِثْلَهُ: مثل خودش» ترجمه نشده است.

۱۴۳ ☆ گزینه ۲ معنی آیه شریفه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، این آیه مؤمنان را از بدگمانی و سوء ظن نهدی می کند.

۱۴۴ ☆ گزینه ۳ در گزینه ۱ «أحب مبتدا و أنفق خبر است. (اسم تفضیل معمولاً بر وزن أفعال می آید)

در گزینه ۲ تفكّر مبتداست و خبر خبر است. (اگر خبر معنی «تر و ترین» دهد معمولاً اسم تفضیل محسوب می شود)

در گزینه ۳ افضل اسم تفضیل است اما اینجا صفت است نه خبر. أرخص نیز اسم تفضیل و صفت می باشد.

در گزینه ۴ شر اسم تفضیل و خبر است. شر نیز مانند خبر می تواند اسم تفضیل باشد اگر معنی «تر و ترین» داشته باشد.

۱۴۵ ☆ گزینه ۲ اسم تفضیل در حالت مقایسه بین دو اسم مؤنث معمولاً بر همان وزن أفعال می آید.

۱۴۶ ☆ گزینه ۴ رد سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: اسم تفضیل «أكبر» در گزینه ۱ مضاف واقع شده است و باید صفت عالی (ترین) ترجمه شود.

گزینه ۲: التَّوَّاضُل به معنای ارتباط است نه دوستی

گزینه ۳: مِثْلَهُ: ترجمه نشده

۱۴۷ ☆ گزینه ۲ ترجمه عبارت: هر کس قبل از سخن گفتن فکر کند از اشتباه سالم می ماند.

نکته گزینه ۲: مصرع دوم این بیت به فکر کردن قبل از سخن گفتن اشاره دارد.

ترجمه گزینه ۱: چرا آنچه را انجام نمی دهید، می گوید!

ترجمه گزینه ۳: هر گاه عقل کامل شود، سخن کم می شود!

☆۱۴۸ گزینه ۴ زیرا فعل «انفتح» ناگذر «لازم» است.

☆۱۴۹ گزینه ۴ معنای گزینه «۴» این است که «صبر به اندازه مصیبت می‌آید»، و مفهوم آن این است که «خداوند مصیبت را به اندازه صبر و طاقت می‌دهد»، و این مفهوم با «الصبر مفتاح الفرج» (صبر کلید گشایش است.) تناسب ندارد.

گزینه «۱»: «سلامتی در تأمل و پشیمانی در عجله کردن است.» که با مفهوم عبارت سؤال تناسب دارد.

گزینه «۲»: «هرکس از صبر و شکیبایی پیروی کند پیروزی به دنبال او می‌آید.» که با مفهوم عبارت صورت سؤال تناسب دارد.

گزینه «۳»: با مفهوم عبارت داده شده تناسب دارد.

☆۱۵۰ گزینه ۱ یَعُدُّ: به شمار می‌آورد، می‌شمارد (رد گزینه ۳)

الحضارة الإسلامية: تمدن اسلامی (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

الثقافة الإيرانية: فرهنگ ایرانی (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

پاسخنامه کلیدی

| | | | | |
|--------|--------|--------|---------|---------|
| ۱ ☆ ۱ | ۳۱ ☆ ۴ | ۶۱ ☆ ۴ | ۹۱ ☆ ۲ | ۱۲۱ ☆ ۳ |
| ۲ ☆ ۴ | ۳۲ ☆ ۱ | ۶۲ ☆ ۲ | ۹۲ ☆ ۴ | ۱۲۲ ☆ ۲ |
| ۳ ☆ ۱ | ۳۳ ☆ ۴ | ۶۳ ☆ ۲ | ۹۳ ☆ ۳ | ۱۲۳ ☆ ۱ |
| ۴ ☆ ۳ | ۳۴ ☆ ۲ | ۶۴ ☆ ۴ | ۹۴ ☆ ۱ | ۱۲۴ ☆ ۱ |
| ۵ ☆ ۱ | ۳۵ ☆ ۱ | ۶۵ ☆ ۳ | ۹۵ ☆ ۴ | ۱۲۵ ☆ ۱ |
| ۶ ☆ ۴ | ۳۶ ☆ ۱ | ۶۶ ☆ ۲ | ۹۶ ☆ ۲ | ۱۲۶ ☆ ۲ |
| ۷ ☆ ۴ | ۳۷ ☆ ۱ | ۶۷ ☆ ۳ | ۹۷ ☆ ۳ | ۱۲۷ ☆ ۳ |
| ۸ ☆ ۲ | ۳۸ ☆ ۴ | ۶۸ ☆ ۴ | ۹۸ ☆ ۳ | ۱۲۸ ☆ ۴ |
| ۹ ☆ ۱ | ۳۹ ☆ ۲ | ۶۹ ☆ ۴ | ۹۹ ☆ ۴ | ۱۲۹ ☆ ۴ |
| ۱۰ ☆ ۳ | ۴۰ ☆ ۱ | ۷۰ ☆ ۳ | ۱۰۰ ☆ ۳ | ۱۳۰ ☆ ۲ |
| ۱۱ ☆ ۳ | ۴۱ ☆ ۳ | ۷۱ ☆ ۴ | ۱۰۱ ☆ ۴ | ۱۳۱ ☆ ۳ |
| ۱۲ ☆ ۲ | ۴۲ ☆ ۱ | ۷۲ ☆ ۳ | ۱۰۲ ☆ ۳ | ۱۳۲ ☆ ۴ |
| ۱۳ ☆ ۴ | ۴۳ ☆ ۱ | ۷۳ ☆ ۳ | ۱۰۳ ☆ ۳ | ۱۳۳ ☆ ۲ |
| ۱۴ ☆ ۲ | ۴۴ ☆ ۲ | ۷۴ ☆ ۳ | ۱۰۴ ☆ ۱ | ۱۳۴ ☆ ۳ |
| ۱۵ ☆ ۱ | ۴۵ ☆ ۴ | ۷۵ ☆ ۲ | ۱۰۵ ☆ ۱ | ۱۳۵ ☆ ۱ |
| ۱۶ ☆ ۱ | ۴۶ ☆ ۳ | ۷۶ ☆ ۲ | ۱۰۶ ☆ ۲ | ۱۳۶ ☆ ۳ |
| ۱۷ ☆ ۴ | ۴۷ ☆ ۱ | ۷۷ ☆ ۴ | ۱۰۷ ☆ ۲ | ۱۳۷ ☆ ۳ |
| ۱۸ ☆ ۴ | ۴۸ ☆ ۴ | ۷۸ ☆ ۴ | ۱۰۸ ☆ ۴ | ۱۳۸ ☆ ۳ |
| ۱۹ ☆ ۱ | ۴۹ ☆ ۳ | ۷۹ ☆ ۱ | ۱۰۹ ☆ ۳ | ۱۳۹ ☆ ۳ |
| ۲۰ ☆ ۲ | ۵۰ ☆ ۱ | ۸۰ ☆ ۱ | ۱۱۰ ☆ ۱ | ۱۴۰ ☆ ۳ |
| ۲۱ ☆ ۲ | ۵۱ ☆ ۳ | ۸۱ ☆ ۴ | ۱۱۱ ☆ ۳ | ۱۴۱ ☆ ۳ |
| ۲۲ ☆ ۳ | ۵۲ ☆ ۴ | ۸۲ ☆ ۱ | ۱۱۲ ☆ ۴ | ۱۴۲ ☆ ۴ |
| ۲۳ ☆ ۲ | ۵۳ ☆ ۱ | ۸۳ ☆ ۱ | ۱۱۳ ☆ ۱ | ۱۴۳ ☆ ۲ |
| ۲۴ ☆ ۴ | ۵۴ ☆ ۲ | ۸۴ ☆ ۳ | ۱۱۴ ☆ ۱ | ۱۴۴ ☆ ۳ |
| ۲۵ ☆ ۳ | ۵۵ ☆ ۴ | ۸۵ ☆ ۴ | ۱۱۵ ☆ ۴ | ۱۴۵ ☆ ۲ |
| ۲۶ ☆ ۱ | ۵۶ ☆ ۲ | ۸۶ ☆ ۱ | ۱۱۶ ☆ ۳ | ۱۴۶ ☆ ۴ |
| ۲۷ ☆ ۲ | ۵۷ ☆ ۱ | ۸۷ ☆ ۲ | ۱۱۷ ☆ ۴ | ۱۴۷ ☆ ۲ |
| ۲۸ ☆ ۱ | ۵۸ ☆ ۴ | ۸۸ ☆ ۴ | ۱۱۸ ☆ ۳ | ۱۴۸ ☆ ۴ |
| ۲۹ ☆ ۱ | ۵۹ ☆ ۱ | ۸۹ ☆ ۱ | ۱۱۹ ☆ ۳ | ۱۴۹ ☆ ۴ |
| ۳۰ ☆ ۴ | ۶۰ ☆ ۱ | ۹۰ ☆ ۲ | ۱۲۰ ☆ ۴ | ۱۵۰ ☆ ۱ |